

مقاله پژوهشی

مطالعه پیامدهای بیکاری بر زندگی روزمره جوانان شهر کرمانشاه

ملیحه علی‌مندگاری^۱
 حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد*^۲
 محمدرضا کارگر شورکی^۳
 راضیه میری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶

چکیده

از دست‌دادن غیرارادی شغل و یا عدم توانایی در به دست آوردن شغل با مشکلات بی‌شماری برای فرد، خانواده‌ها و جامعه ارتباط دارد. تجارب افراد از بیکاری با توجه به بستر نهادی هر جامعه در گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد. پژوهش حاضر با هدف شناخت پیامدهای بیکاری روی زندگی جوانان با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با ۱۹ جوان بیکار ۲۰-۳۴ ساله شهر کرمانشاه جمع‌آوری شده است. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی است. در این مطالعه تجارب بیکاری در پنج درون‌مایه اصلی تنش‌های روانی، اضمحلال هویت فردی و اجتماعی، مشکلات مالی، تضعیف نقش‌های خانواده و فرسایش سرمایه اجتماعی شناسایی شدند. یافته‌ها نشان داد بیکاری مهم‌ترین منبع استرس و نگرانی است. محدودیت مالی ناشی از بیکاری بر تصمیمات ازدواجی و فرزندآوری، کیفیت زندگی، روابط زوجین و تعاملات اجتماعی جوانان سایه افکنده است. تجربه مشترک پاسخگویان نشان داد نداشتن شغل چیزی فراتر از ناتوانی برای تأمین هزینه‌های زندگی است. افراد بیکار نه تنها شغل خود، بلکه بسیاری از ابعاد هویت فردی و هویت اجتماعی را از دست‌رفته و جایگاه خود را در نظام خانوادگی و اجتماعی تضعیف شده می‌بینند. لذا در کنار سیاست‌گذارانه‌های کلان اقتصادی اتخاذ مقررات مربوط به بیمه بیکاری، ارائه آموزش‌های لازم جهت توانمندسازی افراد و مهارت‌های کاربردی، آموزش‌های فنی و مهارتی رایگان یا ارزان‌قیمت برای هدایت افراد به سمت فعالیت‌های خوداشتغالی اهمیت دارد.

کلیدواژه‌ها: پیامدها، بیکاری، هویت، سرمایه اجتماعی، جوانان، شهر کرمانشاه.

۱- استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲- دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴- کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۱. بیان مساله

اشتغال پایدار که نمادی از ثبات و توسعه اقتصادی جوامع است، با تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار مشخص می‌شود. ساختار اقتصادی و جمعیتی جوامع نقش مهمی در ایجاد یا برهم خوردن این تعادل دارند. امروزه کشورهای زیادی با عرضه فراوان نیروی کار و فقدان بسترهای اقتصادی مناسب با مشکل جذب جمعیت فعال در بازار کار و پدیده بیکاری مواجه هستند.

معمولاً بیکاری به دلیل جابجایی کارگران، رشد اقتصادی ناکافی یا رکود و نوسان در عرضه و تقاضای نیروی کار به وجود می‌آید. برای بسیاری از افراد، به‌عنوان یک اتفاق عمدتاً ناخواسته، کنترل نشده و برنامه‌ریزی نشده و ناگوار است. مک کی رایان (۲۰۰۴) بیکاری را یک واقعه زندگی می‌داند که در آن کار مزدی به‌طور غیرارادی از فرد گرفته می‌شود. لذا افرادی به‌عنوان بیکار توصیف می‌شوند که در جستجوی کار هستند. آن‌ها بخشی از نیروی کار محسوب می‌شوند و از افراد غیرفعال اقتصادی که ترجیح می‌دهند کار نکنند حتی اگر شغلی به آن‌ها پیشنهاد شود متمایز هستند. طبق اینوستو پدیا^۱ (۲۰۱۷: ۱) "بیکاری پدیده‌ای است که هنگامی رخ می‌دهد که فردی که به‌طور فعال در جستجوی کار است، قادر به یافتن کار نیست".

معمولاً درصد قابل‌توجهی از بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند. گرچه نرخ بیکاری جهانی جوانان ۱۳/۶ درصد است، اما تغییرات منطقه‌ای قابل‌توجهی در این زمینه وجود دارد و از کمتر از ۹ درصد در آمریکای شمالی و جنوب صحرای آفریقا تا ۳۰ درصد در آفریقای شمالی نوسان دارد. این پدیده در کشورهای در حال توسعه در حال افزایش است. بیشترین نرخ بیکاری جوانان متعلق به آفریقای شمالی و کشورهای عربی است که به ترتیب حدود ۲/۲ و ۱/۷ برابر میانگین نرخ جهانی است. در این دو منطقه، از سال ۱۹۹۱ نرخ بیکاری جوانان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بالاتر از سایر کشورهای جهان بوده است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۰).

کشور ما نیز متأثر از تحولات جمعیتی چند دهه اخیر با تغییر ساختار سنی و تسلط جوانان ۱۵-۲۹ ساله بر ساختمان سنی جمعیت مواجه است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، حدود ۲۵/۱ درصد جمعیت بین ۱۵ تا ۳۰ سال هستند. ورود آن‌ها به بازار کار در درازمدت بر زندگی آن‌ها و همچنین بر توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور تأثیر دارد. باین‌حال، بر طبق

گزارش‌های مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، ۲۸/۴ درصد از جمعیت ۲۴-۱۵ سال در جستجوی کار هستند (این افراد به‌عنوان بیکار تعریف می‌شوند) و بر همین اساس بیش از ۷۰ درصد بیکاران کشور زیر ۳۰ سال هستند.

در سطح کلان دستیابی یا حفظ اشتغال پایدار برای رسیدن به وضعیت مطلوب اقتصادی ضرورت دارد و در سطح خرد نیز به دلیل اثرگذاری آن بر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و روانی زندگی افراد دارای اهمیت فراوانی است. در هر جامعه‌ای، داشتن شغل مناسب معمولاً نشانه رشد افراد و عبور آن‌ها از دوران کودکی و ورود آن‌ها به مرحله بزرگسالی است. همچنین جایگاه و منزلتی که فرد در جامعه به دست می‌آورد، هم مستقیماً در رابطه با نقش‌های او تعریف می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها نقش شغلی اوست. از سوی دیگر عدم دستیابی به فرصت‌های شغلی و بیکاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی برای افراد، خانواده و جامعه در نظر گرفته می‌شود. باین‌حال تجربه افراد از بیکاری و تأثیرپذیری آن‌ها از آن با توجه به بستر نهادی هر جامعه در گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد.

گیدنز^۱ معتقد است برای اینکه ببینیم چرا بیکاری برای فرد مهم است باید ببینیم کار چه چیزهایی برای فرد فراهم می‌کند. فرد به‌وسیله کار پول تهیه می‌کند تا نیازهای خود را برطرف کند؛ کار زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا فرد بتواند توانایی‌های بالقوه و مهارت‌های اکتسابی خود را به‌کار ببرد؛ کار در زندگی فرد، تنوع محیطی ایجاد می‌کند؛ محیط‌های کاری شرایطی را فراهم می‌کند که در آن فرصت‌های مشارکت در انجام فعالیت‌های مشترک با دیگران به وجود می‌آید و بدین طریق فرد هرچه بیشتر با آن‌ها پیوند می‌خورد؛ فرد بیکار تقسیم‌بندی زمانی برای زندگی روزمره ندارد و این امر زندگی را برای او یکنواخت و ملالت‌بار می‌سازد؛ کار به‌خاطر اینکه احساس هویت پایداری برای فرد فراهم می‌کند با ارزش تلقی می‌گردد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۱).

نگرش افراد به کار و هدف یا هدف‌هایی که برای آن در نظر گرفته می‌شود، ناشی از آموزه‌هایی است که طی فرآیند اجتماعی شدن فرد در نهادهای مربوط به فرد انتقال یافته است (معیدفر، ۱۳۸۰: ۳۲۱). در فرهنگ ایرانی شغل افراد نقش زیادی در چگونه دیدن خود دارد. در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی و تعاملات اجتماعی و دورهمی‌های خانوادگی و دوستانه افراد در مورد شغل خود صحبت می‌کنند و یکی از مباحث محوری در برخورد با

1. Giddens

دیگران پیرامون شغل افراد است؛ بنابراین از دست دادن غیرارادی شغل و یا عدم توانایی در به دست آوردن شغل با مشکلات بی‌شماری برای فرد، خانواده‌ها و جامعه ارتباط دارد. در همین راستا در این مطالعه تجربه جوانان از بیکاری و پیامدهای آن بر ابعاد مختلف زندگی آن‌ها واکاری می‌گردد.

در این مطالعه تمرکز روی افرادی است که در جستجوی کار بودند، اما تاکنون موفق نبودند و یا شغلی داشته‌اند اما به دلایل مختلف شغل خود را از دست داده‌اند و در حال حاضر در جستجوی شغل هستند. میدان تحقیق این مطالعه شهر کرمانشاه است. براساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، استان کرمانشاه برای سال‌های متوالی بالاترین نرخ بیکاری استان‌ها را داشته است و براساس اطلاعات رسمی طرح نیروی کار مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله در کشور ۲۸/۴ درصد است اما در این استان ۴۲/۱ درصد است. این نسبت برای مردان ۳۸/۹ درصد و برای زنان ۵۲/۴ درصد است (جدول ۱). در این مطالعه برای دستیابی به اطلاعات غنی از موضوع بر جوانان بیکار ۲۰-۳۴ ساله تمرکز شده است. با توجه به توضیحات فوق پرسش‌های محوری این مطالعه عبارتند از: ۱. بیکاری در بین جوانان شهر کرمانشاه چگونه درک و تفسیر می‌شود؟ ۲. چه پارامترهایی در ایجاد نحوه درک جوانان از بیکاری دخیل است؟

جدول ۱: نرخ مشارکت و بیکاری استان کرمانشاه برحسب جنس: ۹۶-۱۳۹۵

سال	شرح	نرخ مشارکت اقتصادی*			نرخ بیکاری*			نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله		
		مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۹۵	کل کشور	۲۹/۴	۶۴/۱	۱۴/۹	۱۲/۴	۱۰/۵	۲۰/۷	۲۹/۲	۲۵/۴	۴۴/۲
	استان کرمانشاه	۳۸/۹	۶۳/۳	۱۴/۷	۲۲	۲۱/۶	۲۳/۹	۳۸/۱	۳۹	۳۳/۹
۱۳۹۶	کل کشور	۴۰/۳	۶۴/۵	۱۶	۱۲/۱	۱۰/۲	۱۹/۸	۲۸/۴	۲۴/۲	۴۳/۷
	استان کرمانشاه	۴۱/۵	۶۵	۱۸/۱	۲۱/۶	۲۰/۴	۲۵/۸	۴۲/۱	۳۸/۹	۵۲/۴

منبع: مرکز آمار ایران، طرح آمارگیری نیروی کار

* نماگرهای فوق برای جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر محاسبه شده است.

پرداختن به موضوع بیکاری جوانان از چندین جهت حائز اهمیت است. براساس برخی شاخص‌ها از جمله کاهش بارتکفل و افزایش سهم و رشد جمعیت در سنین فعالیت، ایران در

نیمه دهه ۱۳۸۰، وارد فاز پنجره جمعیتی شده است، این فرصت به مدت چهار دهه باز می‌ماند و از سال ۳۰-۱۴۲۵ به بعد با آغاز مرحله سالخوردگی جمعیت به تدریج بسته خواهد شد. در شرایط کنونی پنجره جمعیتی بستری برای رشد و توسعه اقتصادی کشور محسوب می‌شود. بهره‌برداری از فرصت پنجره جمعیتی و تبدیل آن به فرصت اقتصادی و اجتماعی مستلزم توانمندسازی جوانان، بهبود کیفیت سرمایه انسانی و گسترش فرصت‌های شغلی، حذف موانع ساختاری جذب نیروی کار جوان و آماده نمودن آنان برای ورود به بازار کار است. با این حال همچنان بیکاری یک مسئله ملی و استان کرمانشاه است و نیازمند این است که دولت و بخش خصوصی برای رفع این مشکل گام‌های اساسی بردارند. در غیر این صورت با تداوم نرخ بالای بیکاری جوانان، نه تنها پنجره جمعیتی به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک نمی‌کند، بلکه به دلیل ساختار جمعیتی سالخورده پیش رو، کشور و این استان با مسائل و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی متعددی روبه‌رو خواهند شد.

از سوی دیگر بیکاری بسیاری از حوزه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. واکاوی دیدگاه جوانان از بیکاری و درک مسائلی که با آن‌ها مواجه هستند می‌تواند به شناخت و درک صحیح از مشکلات و آسیب‌های ناشی از نبود شغل و درآمد برای جمعیت جوان و عمدتاً تحصیل کرده، بازخوردها و یا شیوه‌های کنار آمدن با این پدیده منجر شود. علاوه بر این نتایج این مطالعه ممکن است برای افرادی که بیکاری را تجربه می‌کنند اطمینان‌بخش باشد و بدانند تنها آن‌ها این احساسات و یا شرایط را تجربه نمی‌کنند.

چنانچه آگاهی‌های لازم در مورد پیامدهای بیکاری و تجربه زیسته جوانان در سطوح مختلف جامعه ارائه شود نحوه مواجهه منطقی و صحیح جوانان با این مشکل، برخورد صحیح و رفتار پسندیده دیگران با فرد بیکار می‌تواند از تنش‌ها و ناهنجاری‌هایی که برای فرد ایجاد می‌شود و نهایتاً جامعه و خانواده را متأثر می‌سازد تا حدی بکاهد و مؤثر واقع شود.

پرداختن به موضوع بیکاری جوانان در شهر کرمانشاه نیز از چندین جهت حائز اهمیت است. وضعیت بیکاری این استان با آمارهای دیگری نظیر تورم، درآمد سرانه، طلاق و ناهنجاریهای اجتماعی، ناامنی و بسیاری از متغیرهای اجتماعی و اقتصادی نیز در پیوند است که همگی نشاندهنده‌ی شرایط نامناسب این استان است (محمدی‌فر و الماسی‌فرد، ۱۳۹۹: ۱۱۹). علاوه بر این نتایج پژوهشی متعددی بر جدایی‌گزینی کالبدی در سطح شهر، جدایی‌گزینی فرهنگی و قومی، پایین بودن میزان اعتماد در بین گروه‌های مختلف و مشارکت اجتماعی

اندک، نرخ بالاتر از میانگین کشوری در برخی بزه‌های اجتماعی، مهاجرت نخبگان از استان، حضور اندک افراد بومی در مناصب مدیریتی سطح اول، ضعف اعتماد به نفس و خودآگاهی و در نتیجه خودکم بینی فرهنگی در بین بخش گسترده‌ای از مردم به عنوان مشخصه‌های ضعف سرمایه اجتماعی در این استان تاکید کرده اند (کریمی و همکاران ۱۳۹۹: ۶۳).

در چنین بستری مطالعه پیامدهای بیکاری بر روی جوانان می‌تواند ضمن گسترش دانش موجود در این باره به درک بهتر سیاست‌گذاران و برنامه ریزان کلان اقتصادی از ابعاد مختلف مسئله بیکاری و لزوم اقدامات اثربخش برای کاهش اثرات آن کمک کند.

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

در این قسمت از مطالعه پیشینه نظری و سپس پیشینه تجربی موضوع مرور می‌شوند، بدیهی است ذکر نظریات مرتبط در این بخش به منظور استفاده از مفاهیم موجود و روشن‌تر کردن مسیر پیشروی محقق و نه اخذ فرضیات و دلالت‌های نظری بلکه به جهت ایجاد حساسیت نظری در محققین بوده است. نظریه‌ها در این رویکرد تحقیقی سبب می‌شوند که محقق به جریان‌ها، مفاهیم و رویدادهای اصلی مرتبط با موضوع تحقیق حساس و برانگیخته شود. در واقع آشنایی با ادبیات نظری و تجربی موجب فراهم آمدن زمینه فکری غنی از اطلاعاتی می‌شود که محقق را با چندوچون موضوعی که در دست مطالعه دارد، آشنا می‌نماید و به انجام تحلیل و استخراج کدها و مضامین کمک می‌نماید.

از جمله صاحب‌نظرانی که به منافع شغل و پیامدهای بیکاری توجه نموده، جاهودا^۱ است. طبق نظر جاهودا شغل دو مزیت برای افراد دارد؛ یکی نیازهای مالی فرد را تأمین می‌کند و دیگری منافع پنهانی دارد و نیازهای روانی افراد را تأمین می‌کند. در ابتدای امر افراد برای پاسخ‌گویی به نیازهای مادی (منافع آشکار) است که به سراغ شغل می‌روند. در کنار این منافع، منافع پنهانی همچون تعامل اجتماعی، منزلت، هویت و فعال بودن بسیار با اهمیت هستند. منافع پنهان به افراد کمک می‌کند که در گروه احساس مفید بودن داشته باشند، در جامعه به رسمیت شناخته شوند. همچنین به افراد کمک می‌کند تا از زمان و دیدگاه‌های خود برای گسترش افق‌های اجتماعی استفاده کنند. بر این اساس، موقعیت هر فرد از طریق شغل وی تعریف می‌شود. بیکاری موجب محرومیت فرد از منافع پنهان و آشکار می‌شود.

بیکاری فراتر از مسائل مالی حس محرومیتی را در افراد جامعه باقی می‌گذارد (جاهودا، ۱۹۸۴: ۲۹۸).

از نظر جاهودا اشتغال یک ساختار زمانی که نوعی از منافع نهفته است را برای افراد فراهم می‌کند اشتغال روزمره یک ساختار زمانی را تحمیل می‌کند و مهم‌ترین عملکرد نهفته برای همه محسوب می‌شود. افراد قبلاً شاغل، وقتی بیکار می‌شوند، باید سبک زندگی خود را تغییر دهند. به‌عنوان مثال، آن‌ها باید فعالیت‌های خاص را به حداقل برسانند و آن‌ها را کنار بگذارند (به‌عنوان مثال خرید لباس‌های گران‌قیمت، بیرون غذا خوردن، بیرون رفتن با دوستان) که در زمان اشتغال انجام می‌دادند. در نتیجه‌ی بیکاری، یک فرد وقت آزاد اضافی زیادی را در اختیار خود دارد که باید یاد بگیرد از آن به‌طور سازنده استفاده کند. از قضا، مقدار زیادی از وقت آزاد می‌تواند به یک فشار عمده برای بیکاران تبدیل شود، اگرچه ممکن است برای افرادی که شاغل هستند و مایل به داشتن اوقات فراغت بیشتری هستند، یک امر لوکس به نظر برسد. شغل فرد را به اهداف مشترک و اهداف جمعی دیگران پیوند می‌دهد که از اهداف او فراتر می‌رود.

جاهودا (۱۹۸۴) اظهار داشت که مردم نمی‌توانند بدون آنچه او "هدف جمعی" خواند، احساس مفید بودن و موردنیاز بودن دیگران بکنند؛ بنابراین، افرادی که بیکار هستند و نمی‌توانند کاری پیدا کنند، فقدان هدف جمعی را تجربه می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند که جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به آن‌ها نیازی ندارند زیرا خود را بی‌ارزش می‌دانند و ممکن است منابع جامعه را تخریب کنند و در هیچ فعالیت جمعی شرکت نکنند، زیرا معتقدند که آن‌ها بخشی از جامعه نیستند (جاهودا، ۱۹۸۴: ۲۹۹).

مدل‌های محرومیت اقتصادی به وضعیت نابسامان مالی افراد تمرکز می‌کنند و تأثیرات بیکاری را در ارتباط با منابع مالی تبیین می‌کنند. فرایر^۱ پیامد اصلی بیکار شدن را، از دست دادن منبع اصلی درآمد می‌داند. فرایر مطرح می‌کند که از دست دادن درآمد موجب می‌شود که فرد در انتخاب سبک زندگی و برنامه‌ریزی برای زندگی خود دچار مشکل شود و رضایتش از زندگی کاهش یابد. بیکاری غیرارادی منجر به تجربه فقر تباہ‌کننده می‌شود و تجربه‌ی فقر است که افراد را از آینده‌ی معنادار زندگی خود دور می‌سازد و سلامت روان آنان را کاهش می‌دهد (فرایر، ۱۹۸۵: در صادقی و شکفته گوه‌ری، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۷۵).

نداشتن شغل می‌تواند زمانبندی سایر مراحل زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. دیکسون^۱ با طرح نظریه دسترسی، امکان و تمایل^۲ یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیم جوانان برای ازدواج را امکان‌پذیری می‌داند. امکان‌پذیری به معنای فراهمی شرایط اجتماعی و اقتصادی (نظیر اشتغال) برای ازدواج است. زمانی‌که فشار اجتماعی جوانان را مجبور می‌کند تا برای ازدواج، درآمد و مسکن داشته باشند، جوانان تصمیم می‌گیرند که ازدواج خود را به تعویق بیندازند. همچنین براساس دیدگاه مایر و وین شپ^۳ (۱۹۹۰) شرایط اقتصادی و اجتماعی تأثیر بارزی بر تأخیر ازدواج جوانان دارد. مردانی که شغل مناسبی ندارند و از نظر درآمدی با مشکل روبه‌رو هستند، کمتر از سایرین ازدواج می‌کنند. آن‌ها مهیا نبودن شرایط اجتماعی و اقتصادی را مهم‌ترین عامل تأخیر ازدواج مردان می‌دانند (هزار جریبی و آستین افشان، ۱۳۸۵: ۱۰).

آرگایل و لو^۴ معتقدند بیکاری و ترس از نداشتن شغل، یکی از بزرگ‌ترین منابع نگرانی در دنیای مدرن است. البته نه صرفاً به این دلیل که آدم‌های بدون شغل، پول کمتری دارند تا خرج کنند، بلکه به آن دلیل که کیفیت زندگی آدم بیکار به شدت نزول می‌کند، چراکه وی احساس می‌کند از میان جمع رانده شده و کسی به او اعتنا نکرده و عزت‌نفس او لطمه دیده است. در واقع، فرد بیکار جایگاه و منزلت اجتماعی خود را در خطر می‌بیند. بر این اساس، نگاه به بیکاری، به‌عنوان یک مشکل صرفاً مالی برای کسانی که از آن متأثر شده‌اند، هزینه وارد شده از بیکاری را بر فرد و جامعه، به‌شدت کمتر از واقع برآورد می‌کند.

افزایش نرخ بیکاری در سطح کلان می‌تواند احساس امنیت و اطمینان را تحت تأثیر قرار دهد (برناردی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۹۲، فیوری و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۷۵). با افزایش تعداد افراد بیکار و بالا رفتن سهم آن‌ها از کل جمعیت، سهم افرادی که احساس نگرانی و یا بی‌اطمینانی می‌کنند در جامعه افزایش می‌یابد. از سوی دیگر حتی برای افراد شاغل، افزایش در نرخ بیکاری عمومی، ترس از بیکار شدن را افزایش داده که این نیز باعث احساس ناامنی شغلی خواهد شد. اکثریت افراد جامعه از مسأله بیکاری، همواره گریزان بوده و میزان ترس عمومی در شرایطی که در جامعه بیکاری وجود دارد، بالا می‌رود. زمانی‌که بیکاری بالاست،

-
1. Dixon
 2. The theory of access, possibility and desire
 3. Mare and Winship
 4. Argyle and Lue

همواره این ترس وجود دارد که افراد شغل خود را از دست بدهند. این امر، امنیت اقتصادی جامعه را تهدید می‌کند (روپراه و لیوانگاس^۱، ۲۰۱۱: ۶۴).

همان‌طور که ملاحظه شد تأثیرات بیکاری از منظر تئوری‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است همه آن‌ها بر اهمیت شغل در سلامت اجتماعی داشتن زندگی باکیفیت و احساس امنیت اذعان داشتند. برخی از این دلایل نظیر نداشتن منبع درآمد، عدم مشارکت در اهداف جمعی، نداشتن جایگاه شغلی در بستر اقتصادی جامعه ممکن است قابل تسری به زنان خانه‌دار، دانشجویان و ... نیز باشد، لذا مطالعه عمیق از تجربه زیسته هر یک از گروه‌های فوق به‌ویژه جوانان بیکار می‌تواند به درک مسأله بیکاری و ماهیت مشکلات ناشی از آن و تعیین نقش سیستم‌های اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی در حمایت از آنان کمک نماید.

۳. پیشینه تجربی پژوهش

وضعیت اشتغال و بیکاری از موضوعاتی هستند که در تحلیل مسائل کلان هر جامعه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است و به همین دلیل مطالعات متعددی پیرامون این موضوع صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. صادقی و شکفته گوهری (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان "مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج در شهر تهران" با به‌کارگیری روش تحقیق ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی تجربه بیکاری و پیامدهای آن بر تأخیر در ازدواج مردان جوان شهر تهران می‌پردازند. نتایج پژوهش در بخش کمی نشان می‌دهد که بیشترین میزان بیکاری در میان مردان جوان شهر تهران مربوط به گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ ساله است و با افزایش سطح تحصیلات، میزان بیکاری بالاتر می‌رود و افراد بی‌سواد پایین‌ترین میزان بیکاری را در میان جمعیت جوان تهران دارند؛ که یکی از علل‌های نرخ پایین بیکاری در میان مردان جوان با تحصیلات پایین‌تر را می‌توان سابقه شغلی این افراد و ورود زودتر آن‌ها به بازار کار دانست. میزان بیکاری مردان جوان غیربومی در مقایسه با افراد بومی (تهرانی) پایین‌تر است و احتمال تجردماندگی افراد بیکار حدود هشت برابر بیشتر از افراد شاغل است. با کنترل سایر متغیرهای مستقل اثرگذار، بیکاری همچنان تأثیر قوی بر افزایش احتمال تجردماندگی دارد. نتایج بخش کیفی مطالعه بیان‌گر پنج مقوله محوری نظیر هویت بخشی شغلی، تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی، رهاشدگی، ناامنی شغلی و عقلانیت در تصمیم‌گیری تأخیر ازدواج است.

ملتفت و حزباوی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به روش پیمایشی به بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان ۳۰-۱۹ ساله استان خوزستان در پنج شهر اهواز، ماهشهر، هویزه، باغملک و دزفول می‌پردازند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین پاسخ‌گویان مجرد و متأهل به لحاظ موانع اشتغال وجود ندارد و هر دو گروه به‌طور مشابه درگیر این مسأله هستند. بین میزان تحصیلات پاسخ‌گویان و موانع اشتغال رابطه معناداری وجود دارد و هرچه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، موانع بیکاری کاهش می‌یابد. بین موانع اشتغال و شهرستان محل زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین تفاوت معناداری بین موانع اشتغال به تفکیک جنسیت وجود دارد و در بین زنان موانع اشتغال بیشتر از مردان است. بیکاری جوانان پیامدهایی از جمله پایین بودن احساس ارزشمندی در جامعه، پایین بودن مشارکت اجتماعی - سیاسی، تمایل به مهاجرت به خارج از کشور، پایین بودن احساس تعلق به جامعه را داشته است که مقایسه بین پاسخ‌گویان مجرد و متأهل از نظر اثرات این پیامدها نشان از بالاتر بودن اثرات این پیامدها در بین افراد مجرد است.

عباسی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی" در قالب یک الگوی اقتصادسنجی و با استفاده از داده‌های تلفیقی، تأثیرگذاری بیکاری و سایر متغیرهای اجتماعی بر روی جرائم قتل عمد، سرقت و خودکشی را مورد بررسی قرار داده‌اند. شواهد تجربی نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین بیکاری و آسیب‌های اجتماعی مذکور وجود دارد که این متغیر با وقعه‌های یک یا دو دوره‌ای، اثرگذاری خود را نمایان می‌کند. در مقایسه بین بیکاری و تورم معمولاً اثر تخریبی بیکاری از اثر تخریبی تورم بسیار شدیدتر است که با توجه به تئوری منحنی فیلیپس توصیه می‌گردد ابتدا به مرتفع نمودن بیکاری و سپس تورم توجه شود. همچنین متغیرهای نهادی مانند صنعتی شدن بی‌ضابطه و شهرنشینی بی‌رویه جزء مسائلی باشد که نباید از آن غفلت نمود.

محمدی بایگی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "آسیب‌شناسی بیکاری بر روی جوانان با توجه به اطلاعات جامعه آماری نمونه" به بررسی آسیب‌های ناشی از بیکاری بر زندگی فردی و اجتماعی جوانان با استناد به اطلاعات نظرسنجی و تجزیه و تحلیل آماری پرداخته است. در این بررسی بیان شده که بیکاری در بین جوانان باعث به وجود آمدن مشکلات مختلفی می‌گردد که در سه زیر گروه آسیب‌های فردی، آسیب‌های خانوادگی،

آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی قابل‌تفکیک است. تأثیرات و آسیب‌های فردی بیکاری شامل افسردگی، تنبلی، بی‌ارادگی، گوشه‌گیری، اتلاف وقت می‌شود. تأثیرات و آسیب‌های خانوادگی شامل: ناراحتی اعصاب در خانواده، درگیری با خانواده و والدین، سرخوردگی خانوادگی و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی بیکاری نیز: ایجاد شغل‌های کاذب در خانواده، بزه اجتماعی (اعتیاد، دزدی، خیابان‌گردی، ...) از بین رفتن خلاقیت در جوان و جامعه، ناامنی در جامعه، اقدام به مهاجرت نام برده شده است. از بین جوانان فاقد کار ۶۹ درصد افراد تحت تأثیر آسیب‌های فردی و ۸۵ درصد افراد تحت تأثیر آسیب‌های اجتماعی و ۷۶ درصد تحت تأثیر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند.

مداح (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "بیکاری و بزهکاری در ایران" با بهره‌گیری از اطلاعات تفاضل اول متغیرهای مدل، در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۵، مربوط به ۲۶ استان کشور، بر پایه شواهد تجربی و نظری از رابطه‌ی میان بیکاری و بزهکاری یک مدل اقتصادسنجی جرم به دست داده است که نشان می‌دهد بین بیکاری و بزهکاری در ایران رابطه مستقیمی وجود دارد و یکی از عوامل اثرگذار بر افزایش بزهکاری، گسترش بیکاری است. به طوری که با افزایش یک درصدی نرخ بیکاری، دزدی عادی در گستره استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۵ با کمابیش ۸/۶ درصد بالا رفته است. در این پژوهش بیان شده که انسان بیکار، بزهکاری را همچون فرصتی برای جبران کمبودهای زندگی می‌نگرد و دستگیر شدن و کیفر دیدن، برای او هزینه فرصت کمتری دارد. رابطه مستقیم بین بیکاری و بزهکاری، گویای اقتصادی بودن پدیده بزهکاری است که این می‌تواند راهنمایی مهم برای سیاست‌گذاری در رویارویی با بزه و اجرای برنامه‌های اقتصادی پیش رو باشد.

گرشاسبی فخر (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و براساس برآورد مدل‌های رگرسیونی به بررسی ارتباط بین بیکاری و تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده در ایران پرداخته است. در این تحقیق بیان شده که بیکاری علاوه بر مخارجی همچون هزینه بیمه بیکاری و هزینه‌های مربوط به کاهش مهارت و تخصص نیروی کار و سایر مخارج مستقیم و غیرمستقیمی که بر اقتصاد یک جامعه می‌گذارد، دربردارنده هزینه‌های دیگری چون افزایش جرائم علیه اموال و مالکیت به‌ویژه سرقت است. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین نرخ بیکاری و سرقت و همچنین رابطه مثبت بین نرخ

طلاق و نسبت شهرنشینی با جرم سرقت و رابطه منفی بین درآمد ماهانه خانوارها و سرقت است.

عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بیکاری و طلاق در ایران پرداختند. بر طبق یافته‌های این مطالعه ارتباط بین طلاق و بیکاری برای کوتاه مدت، غیرمعنی‌دار ولی برای یک دوره‌ی بلندمدت، معنی‌دار است. همچنین علی‌مندگاری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای کیفی که روی زنان و مردان مطلقه در شهر تهران انجام دادند، نشان دادند که گرچه ناامنی و ناپایداری شغلی و بیکاری مردان علت بلافصل طلاق نیست، بلکه زمینه‌ساز شرایط دیگری می‌شود که نهایتاً به طلاق منجر شود. در واقع بر اساس این مطالعات مشکلات اقتصادی و بیکاری عامل پنهان و تأخیری است و با یک اثر تأخیری، بر تصمیم زوجین به طلاق اثر می‌گذارند.

آگان^۱ و همکاران (۲۰۱۶) اثر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان شامل بیکاری، تورم و درآمد سرانه را بر شادی موردبررسی قرار دادند. در این مطالعه، از متوسط شادی محاسبه شده برای مردم ۵۷ کشور طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۵ به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. به‌عبارت‌دیگر، این مطالعه از داده‌های مقطعی بین کشوری، به‌جای داده‌های فردی استفاده می‌کند. نتایج نشان می‌دهد، بیکاری و تورم باعث کاهش شادی در سطح کلان شده و درآمد سرانه، اثر مثبت دارد.

گونزالس و مارسن^۲ (۲۰۱۵) اثرات بیکاری بر ازدواج و طلاق در دوره‌های زمانی ۲۰۱۳ - ۱۹۹۸ در اسپانیا را موردبررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد نرخ بیکاری به‌طور معکوس با نرخ ازدواج در ارتباط است. به‌عبارت‌دیگر بیکاری، ازدواج افراد را به تعویق می‌اندازد. افزایش یک‌درصدی در نرخ بیکاری در اسپانیا حدود سه درصد نرخ ازدواج را کاهش می‌دهد. بلانچفلور^۳ و همکاران (۲۰۱۴) به مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی در کشورهای اروپایی پرداختند. در این مطالعه میزان شادی ۱/۲ میلیون نفر اروپایی به‌صورت تابعی از متغیرهای فردی نظیر سن، تأهل، جنسیت و سطح آموزش در نظر گرفته شده و در کنار متغیرهای فردی، اثر دو متغیر کلان بیکاری و تورم نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از این مطالعه بیان‌گر تأثیر منفی بیکاری و تورم بر رفاه درک شده افراد بوده و اثر مخرب بیکاری بر رفاه بیش از تورم برآورد شده می‌شود.

1. Agan

2. González and Marcén

3. Blanchflower and et.al

دانگسو و ژانگمین^۱ (۲۰۱۲) با استفاده از تحلیل داده‌های پانل در ۱۲ منطقه انگلیس در بین سال‌های ۲۰۰۷ - ۲۰۰۲ مدلی را پایه‌گذاری کردند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که نابرابری درآمد و بیکاری مهم‌ترین عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر جرم در این کشور است. همچنین آن‌ها اذعان می‌کنند که نتایج تجربی به‌دست‌آمده به‌شدت این فرضیه را که جرم یک پدیده‌ی اقتصادی است، تأیید می‌کند.

آماتو و بیٹی^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "آیا نرخ بیکاری بر نرخ طلاق تأثیرگذار است؟" با استفاده از داده‌های ۵۰ ایالت و ناحیه از کلمبیا طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۶۰ به مطالعه این‌که چگونه نرخ بیکاری و طلاق با هم مرتبط‌اند، پرداخته‌اند. طبق نتایج کار، بیکاری به‌طور مثبت در یک تحلیل دو متغیره بر طلاق اثر می‌گذارد. وقتی که نمونه به دوره‌های زمانی تقسیم می‌شود، بیکاری به‌طور منفی اثر مهمی بر طلاق بعد از سال ۱۹۸۰ داشته است. این یافته‌ها دلالت شدیدی بر رویکرد هزینه طلاق می‌کند و فرض می‌کند که نرخ بالای بیکاری، نرخ طلاق را کاهش می‌دهد.

واتکینز^۳ (۱۹۹۴) در تحقیق خود تحت عنوان "بیکاری، فقر و ناهنجاری‌های روانی" نشان می‌دهد که بیکاری، فقر و تنگدستی را به‌دنبال دارد و فقر نیز به‌دنبال خود عامل بسیاری از بیماری‌های روانی و ناهنجاری‌های روحی به‌شمار می‌آید. در واقع بیکاری که مقدمه فقر و محرومیت است، با مختل ساختن عوامل روانی عمده مثل خودشناسی، وقت‌شناسی و احساس اتکالی نفس، مشکلات روحی روانی به‌بار می‌آورد.

جنسن و اسمیت^۴ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "بیکاری و از هم پاشیدن ازدواج‌ها" طی دوره زمانی ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ تأثیر بیکاری را بر احتمال از هم پاشیدن ازدواج‌ها بررسی می‌کنند. آن‌ها براساس داده‌های تابلویی برای یک نمونه از زوج‌های متأهل دانمارکی، یک الگوی پویا از احتمال از هم پاشیدن ازدواج با توجه به آثار ممکن بیکاری زن و شوهر برآورد کرده‌اند. به‌علاوه عوامل دیگری مثل تحصیلات، سن، حضور فرزندان، مکان اقامت، عوامل سلامت و عوامل اقتصادی را نیز در نظر گرفته‌اند. نتایج تجربی مطالعه نشان می‌دهد که بیکاری ظاهراً عامل مهم ناپایداری ازدواج است؛ اگرچه فقط بیکاری شوهر مؤثر و اثر آن نیز فوری است.

1. Dongxu and Zhongmin

2. Amato and Beattie

3. Watkins

4. Jensen and Smith

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در حوزه مطالعات داخلی و خارجی اکثر پژوهش‌ها تأثیر بیکاری بر انواع فرآیندهای جمعیتی (طلاق، ازدواج) و همچنین تأثیر آن بر شادی، مذهب یا رابطه‌ی بیکاری بر انواع جرائم را به شیوه کمی و پیمایشی مورد بحث قرار داده‌اند. اگرچه بررسی تأثیرات بیکاری بر اساس مدل‌ها و نظریات فوق و با روش‌های کمی می‌تواند در درک رابطه بیکاری با کیفیت زندگی افراد مورد استفاده قرار گیرد و به نتایج خوبی منجر شود، با این حال روش‌های کمی بر اساس گزینه‌های از پیش طراحی شده هستند. مطالعه بیکاری به شیوه کیفی برای توسعه دانش در این حوزه و درک جدیدی از موضوع در بسترهای مختلف اجتماعی و منحصر به فرد اهمیت دارد. نتایج حاصل از تحقیقات کیفی را بعداً می‌توان با روش‌های کمی آزمایش کرد تا نتیجه‌گیری در مورد علت و معلول انجام داد؛ اما تقریباً کمبود تحقیقات کیفی در مورد تجربیات افراد بیکار وجود دارد (همرستروم، هلگرن^۱ ۲۰۱۴). در ایران نیز تاکنون آسیب‌ها و پیامدهای بیکاری بر زندگی فردی و خانوادگی افراد به‌ویژه جوانان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در خصوص تأثیر پیامدهای فردی و خانوادگی بیکاری به‌ویژه در بین جوانان بیکار شهر کرمانشاه که عنوان بیکارترین شهر کشور را دارا است و غالب جمعیت آن را قشر جوانی تشکیل می‌دهد که از بیکاری رنج می‌برند لازم شد که با رویکرد کیفی به واکاوی تجارب زندگی افراد بیکار پرداخته شود. وجود چنین مطالعاتی از اساسی‌ترین ملزومات برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و جوانان کرمانشاه است که به عین می‌تواند در زمینه رفع مشکل بیکاری جوانان کارساز و راهگشا باشد.

۴. روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر، که دستیابی به تجارب زیسته‌ی جوانان از پدیده بیکاری است مطالعه از نوع کیفی و با روش پدیدارشناسی توصیفی^۲ انجام شده است. هدف این روش، توصیف و تشریح پدیده‌های خاص بر اساس تجارب سوژه‌های مورد نظر است و در فرایند کار بر توصیف آنچه افراد بیان می‌کنند، تمرکز می‌شود تا به کشف پدیده‌های تازه منجر شود (وکارپنتر^۳، ۲۰۰۷). تحقیق پدیدارشناسی شناسایی دقیق یک پدیده از نگاه کنش‌گرانی است که در یک وضعیت قرار دارند. در حوزه‌ی انسانی، این مسئله به معنای جمع‌آوری اطلاعات و

1. Hammarström & Ahlgren
2. Descriptive Phenomenological Analysis
3. Speziels, H., Carpenter, D. R.

درک عمیق است که از طریق روش‌های کیفی و استقرایی مانند مصاحبه، بحث و ارائه مجدد آن به مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاصل شود (لستر^۱، ۱۹۹۹)، اصلی‌ترین روش گردآوری داده در پدیدارشناسی مصاحبه است. نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری با استفاده از معیار اشباع داده‌ها است. براین اساس انتخاب شرکت‌کنندگان در این پژوهش، به روش نمونه‌گیری در دسترس و گلوله‌برفی که یک تکنیک هدفمند و متداول است و مستلزم استفاده از مشارکت‌کنندگان اولیه برای شناسایی موارد اضافی است، صورت گرفته است.

محیط پژوهش شهر کرمانشاه (مرکز استان کرمانشاه) و افراد نمونه با داشتن ۴ مشخصه وارد حوزه تحقیق شده‌اند: ۱- در حیطه سنی بین ۲۰-۳۴ سال باشند؛ ۲- با رضایت به مصاحبه بپردازند؛ ۳- ساکن شهر کرمانشاه باشند و ۴- هر دو گروه جنسی با خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت را شامل شوند.

به چند دلیل محدوده سنی نمونه تحقیق ۲۰-۳۴ سال انتخاب شد؛ چنانچه نمونه افراد ۱۵ سال تا ۲۴ سال را در بر می‌گرفت، دسترسی به نمونه‌ای که هم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، هم مجرد و هم متأهل و همچنین زنان و مردان را شامل شود علاوه بر آن شامل هر دو گروه از بیکاران باشد؛ یعنی هم کسانی که تاکنون وارد بازار کار نشده و هم کسانی که به دلایل مختلف شغل خود را از دست داده‌اند نمی‌شد. علاوه بر آن پس از تجزیه و تحلیل تعدادی از مصاحبه‌های صورت گرفته و مشخص کردن محورهای اصلی کار نمونه‌های بعدی براساس نمونه‌گیری نظری (بورنز و گراو^۲، ۲۰۰۵). انتخاب شدند در این روش شرکت‌کننده‌ها توسط پژوهشگر دست‌چین می‌شوند؛ چراکه یا به‌صورت مشخص دارای ویژگی و یا پدیده موردنظر هستند و یا غنی از اطلاعات در موردی خاص هستند. این روش بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خاصی است لذا با در نظر گرفتن این موارد در طول مطالعه دامنه سنی ۲۰-۳۴ سال در نظر گرفته شد.

در این پژوهش از ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه کیفی عمیق به شیوه‌ای «نیمه ساخت‌یافته»^۳ استفاده گردید. این نوع مصاحبه با استفاده از «راهنمای مصاحبه» صورت می‌گیرد؛ یعنی فهرستی از سؤالات و موضوعاتی که باید در یک توالی خاص دنبال شوند و مصاحبه‌شونده می‌تواند در پاسخ به یک سؤال باز واکنش نشان دهد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۷۴-).

1. Lester, Stan
2. Burns and Grove
3. Semi-Structured

۱۷۳). برای تعیین تعداد نمونه براساس معیار اشباع نظری اقدام شد به نحوی که فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به مرحله تکرار داده‌ها ادامه پیدا کرد برای مثال در خصوص سؤال اهمیت داشتن شغل و درون‌مایه فرعی از دست‌رفتن کرامت انسانی تعداد کل مفاهیمی که استخراج شدند ۴۴ مفهوم بودند که تعداد ۶ مفهوم جدید بودند و بقیه مفاهیم به صورت تکرار ظاهر شدند در برخی سؤالات مشاهده شد اشباع نظری تثبیت نشده و دوباره مفاهیم جدید استخراج شده‌اند. این فرایند ادامه یافت تا اینکه در مورد کلیه سؤالات تا مصاحبه شماره ۱۵ به اشباع رسیدیم. به منظور دستیابی به نوعی قطعیت در مورد اینکه مفاهیم جدید ظهور نمی‌یابند گردآوری داده تا ۱۹ مورد ادامه یافت. از مصاحبه ۱۵ تا ۱۹ مفاهیم جدید به دست نیامد لذا فرایند گردآوری داده متوقف شد.

از روش دیکلمن^۱ (۱۹۸۹) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید. این روش شامل هفت مرحله است (عابدی، ۱۳۸۹: ۲۱۶) ۱. خواندن مصاحبه‌ها برای دریافت یک ایده کلی؛ ۲. نوشتن خلاصه‌های تفسیری و جستجو برای موضوعات بالقوه؛ ۳. تجزیه و تحلیل نوار پیاده شده به عنوان یک کار گروهی؛ ۴. رجوع به متن یا شرکت‌کنندگان برای روشن نمودن موضوعات معین؛ ۵. مقایسه متون برای تعیین معانی رایج و اعمال مشترک؛ ۶. تعیین الگوهای مرتبط با موضوعات و ۷. سؤال از گروه مفسر و دیگر همکاران برای پیشنهادها در طرح نهایی.

به این ترتیب که ابتدا متن تمام مصاحبه‌ها برای رسیدن به یک درک کلی از پدیده مورد مطالعه چندین بار توسط محققان مطالعه شد. پس از رسیدن به یک درک کلی از داده‌ها، در مرحله دوم هر یک از مصاحبه‌ها و معانی آشکار و نهفته در توصیف‌های ارائه شده از طرف شرکت‌کنندگان این تحقیق، استخراج گردید. سپس هر یک از مصاحبه‌ها با توجه به معانی استخراج شده و همچنین در راستای تعیین تم‌های اولیه کدبندی گردید. مرحله سوم، متون کدگذاری شده توسط محققان جهت رسیدن به یک درک مشترک مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله چهارم، جهت برطرف کردن تناقضات موجود در تفسیرهای ارائه شده از سوی محققان، مجدداً به متن اصلی مصاحبه‌ها رجوع شد و تا حد امکان برطرف شد. طی مراحل دیگر و با استفاده از روش مقایسه و مقابله متون، نسبت به تعیین توصیف تم‌ها اقدام گردید. حاصل این مرحله پنج درون‌مایه اصلی بود که براساس

1. Diekelmann

تجارب شرکت‌کنندگان در تحقیق در راستای فهم آسیب‌های فردی و خانوادگی حاصل از بیکاری استخراج گردید.

در انجام تحقیق تلاش شد کدهای ناظر بر حوزه انسانی که به لحاظ اخلاق پژوهشی مورد تأکید است رعایت شود. از جمله این کدها، محرمانگی، رعایت حقوق افراد، رضایت آگاهانه در مشارکت، رفتار و برخورد شایسته و بی‌طرفی نسبت به پاسخ‌های ارائه‌شده در کلیه مراحل تحقیق مورد توجه مصاحبه‌گران قرار گرفت. علاوه بر آن در ابتدای مصاحبه، هدف تحقیق برای افراد توضیح داده شد و سپس ملاحظات اخلاقی فوق که در این فرایند رعایت می‌شود برای آن‌ها شرح داده شد تا شرکت‌کنندگان با اعتماد به مصاحبه‌کننده، پاسخ‌های خود را نسبت به موضوع و پرسش‌ها بیان کنند. طول مدت انجام مصاحبه به‌طور متوسط یک ساعت بوده است. برای اطمینان از صحت و پایایی داده‌های کیفی حاصل‌شده از معیارهای مطرح‌شده از سوی لینکلن و گویا، (۲۰۰۴) یعنی معیارهای اعتبارپذیری، قابلیت اعتماد، تاییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد (حریری، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۵). پایایی و اعتبارسنجی به دو روش حاصل گردید در تمام موارد متن مصاحبه به پاسخگویان برگردانده شد و از آن‌ها تقاضا شد مروری بر نوشته‌ها داشته باشند و در مواردی که نیاز به تصحیح داشت و یا فهم محقق از مصاحبه متفاوت با هدف و نیت پاسخگو بوده آن را روشن کنند. برای افزایش قابلیت اطمینان که عبارت است از کفایت روند تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری، از راهنمایی و نظارت اساتید صاحب‌نظر استفاده گردید. جهت تأمین اعتبارپذیری پژوهش از کسب اطلاعات دقیق موازی، تکنیک کنترل اعضا و خودبازبینی محقق در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان این پژوهش در جدول ۲ شرح داده شده است. براساس این جدول اکثر مشارکت‌کنندگان را مردان و زنان جوانی تشکیل داده‌اند که در زمان انجام مطالعه بیکار بودند. سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان متفاوت است که پایین‌ترین آن سیکل و بالاترین کارشناسی ارشد است. ۱۳ نفر از مشارکت‌کنندگان مرد و ۶ نفر زن و برحسب وضعیت تأهل ۱۰ نفر مجرد و بقیه متأهل بودند.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان در تحقیق

ردیف	سن پاسخ‌گو	جنس پاسخ‌گو	وضعیت تأهل	پاسخ‌گو تحصیلات	همسر تحصیلات	شغل همسر	تعداد فرزند	وضعیت مسکن	وضعیت اشتغال قبلی
۱	۲۰	زن	مجرد	دیپلم	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	بیکار
۲	۲۴	زن	مجرد	حوزوی	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	بیکار
۳	۲۸	زن	متاهل	دیپلم	دیپلم	آزاد	۱	مستأجر	بیکار
۴	۲۸	زن	مطلقه	دیپلم	سیکل		۱	خانه پدری	بیکار
۵	۲۹	زن	مجرد	کارشناسی ارشد	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	بیکار
۶	۲۹	زن	متاهل	کارشناسی	کارشناسی	آزاد	۱	مالک	شاغل
۷	۲۴	مرد	مجرد	دیپلم	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	شاغل
۸	۲۵	مرد	مجرد	کارشناسی	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	بیکار
۹	۲۷	مرد	مجرد	کارشناسی	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	بیکار
۱۰	۲۹	مرد	متاهل	دیپلم	دیپلم	خانه‌دار	۰	مالک	شاغل
۱۱	۳۰	مرد	متاهل	سیکل	دیپلم	خانه‌دار	۰	مالک	شاغل
۱۲	۳۱	مرد	مجرد	کارشناسی ارشد	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	شاغل
۱۳	۳۱	مرد	متاهل	کارشناسی	کارشناسی	کارمند	۲	مستأجر	شاغل
۱۴	۳۲	مرد	مجرد	کارشناسی ارشد	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	شاغل
۱۵	۳۲	مرد	مجرد	دیپلم	ندارد	ندارد	۰	خانه پدری	شاغل
۱۶	۳۲	مرد	متاهل	سیکل	دیپلم	خانه‌دار	۰	مستأجر	شاغل
۱۷	۳۲	مرد	متاهل	سیکل	ابتدایی	خانه‌دار	۲	مستأجر	شاغل
۱۸	۳۱	مرد	مجرد	سیکل	ندارد	ندارد	۰	مالک	بیکار
۱۹	۳۴	مرد	مطلقه	دیپلم	سیکل	-	۱	خانه پدری	شاغل

در جریان کدگذاری داده‌ها، پدیده‌ها نام‌گذاری و مفاهیم ساخته شدند، مفاهیمی که ماهیتاً شباهت یا ارتباط معنایی داشتند، در زیر مفاهیم انتزاعی‌تر با نام درون‌مایه فرعی قرار داده شدند. حاصل کار ۵ درون‌مایه اصلی شامل تنش‌های روانی، اضمحلال هویت فردی و اجتماعی، مشکلات مالی، تضعیف نقش‌های خانواده و فرسایش سرمایه اجتماعی است. در جدول ۳، مفاهیم، درون‌مایه‌های فرعی و اصلی حاصل از مصاحبه‌ها ارائه شده است.

جدول ۳: مفاهیم، درون‌مایه‌های فرعی و اصلی مرتبط با آسیب‌های فردی و خانوادگی بیکاری جوانان شهر کرمانشاه

مفاهیم	درون‌مایه فرعی	درون‌مایه اصلی
خودنگاره حقیر، احساس بی‌ارزشی، بی‌اعتنایی به مسائل اعتقادی، دین‌زدگی، روسپیگری	از دست رفتن کرامت انسانی	تنش‌های روانی
روزمزگی، افسردگی، یأس و ناامیدی، مشکلات شخصیتی، کاهش امید به آینده	درماندگی	
فشارهای روحی‌روانی، خشونت و پرخاشگری، حسادت، عدم‌پذیرش مسئولیت زندگی، طلبکار بودن از دیگران	انعطاف‌ناپذیری رفتاری	
اعتمادبه‌نفس پایین، ناتوانی در تصمیم‌گیری، عدم خلاقیت و خودباوری.	کاهش استقلال فکری	اضمحلال هویت فردی و اجتماعی
از دست دادن منزلت اجتماعی، نداشتن نقش در رفع نیازهای خانواده و جامعه، از دست رفتن جایگاه اجتماعی.	تضعیف هویت اجتماعی	
کاهش سطح استانداردهای زندگی خانوار، کاهش حمایت مالی از خانواده، عدم اطمینان مالی، بی‌پولی، ناتوانی در رفع نیازهای معیشتی، وابستگی مالی به دیگران، چشم‌پوشی از نیازهای مثل تفریح و ورزش و سرگرمی، کاهش رفت‌وآمدها به دلیل بالا بودن هزینه‌ها، مقروض بودن به دیگران، عقب افتادن قسط وام‌های بانکی، احساس ناامنی اقتصادی.	محدودیت استقلال اقتصادی	مشکلات مالی
تأخیر در ازدواج، تصمیم به تک‌فرزند ماندن، نداشتن قصد فرزندآوری.	تأخیر در ازدواج و یا فرزندآوری	تضعیف نقش‌های خانواده
محرومیت فرزندان از ادامه تحصیل، ناتوانی در تأمین نیازهای مالی فرزندان، تضعیف نقش والدینی.	مشکلات تربیت فرزند	
اختلافات خانوادگی، کاهش رضایت زناشویی، از دست رفتن سلامت روانی خانواده، طلاق عاطفی، طلاق قانونی.	نارضایتی از زندگی	
اختلال در ایفای نقش پدری، کاهش اقتدار مرد در خانواده، افول جایگاه مرد برای همسر.	ناتوانی در ایفای نقش مردانگی	
عدم پذیرش فرد بیکار، کاهش اعتماد به فرد بیکار، حاشیه‌ای شدن.	طرد اجتماعی	فرسایش سرمایه اجتماعی
گسست روابط مستقیم با دوستان، دوری از جمع‌های خانوادگی، تضعیف روابط خویشاوندی، عدم برقراری تعامل با دیگران.	محدودیت روابط اجتماعی	
عدم تحمل نقد در جمع، بی‌تفاوت شدن، ترک محیط اجتماعی.	انزوای طلبی	

تنش‌های روانی

بدون شک بر کسی پوشیده نیست که کار و فعالیت مفید بستر رشد فرد را میسر ساخته و به بهبود روابط فرد با دیگران، خانواده و همچنین نحوه صحیح برخورد و رفتار او در سطح جامعه بیانجامد. آسیب‌هایی که یک فرد به خاطر فشارهای عصبی حاصل از بیکاری تحمل

می‌کند، کم‌کم به بروز برخی ناهنجاری‌های اخلاقی منتهی می‌شود که در بیشتر مواقع ابتدا خود فرد و سپس اطرافیان را مورد حمله قرار می‌دهد. در این پژوهش مصاحبه‌شوندگان به این مطلب اشاره دارند که هم خودشان و هم دیگر افراد بیکاری را که می‌شناسند به‌نوعی دچار آسیب‌های رفتاری و اخلاقی شده‌اند که در تعامل با دیگران به‌وضوح مشاهده می‌شود از جمله اینکه به‌خاطر نداشتن شغل و درآمد دچار حقارت و خودکم‌بینی شده و با مشاهده وضعیت بهتر، کسانی که شرایط مشابه آن‌ها را داشته‌اند دچار حسادت شده‌اند. همچنین میزان اعتماد به نفس فرد در بسیاری از موارد در رابطه با میزان موفقیت او در شغل و چگونگی مناسبت شغل، با سایر ویژگی‌های او برقرار می‌گردد. وقتی یک جوان از خودش سؤال می‌کند که "من چه کاره‌ام" اگر جواب مناسبی نیابد، اعتماد به نفس او رو به ضعف می‌رود (سام آرام، ۱۳۸۲: ۳۶).

یکی از پاسخگویان (مرد ۳۲ ساله، کارشناسی ارشد، مجرد) درباره سرکوفت‌ها و طعنه‌های خانواده‌اش می‌گوید:

«خونواده‌ام درکم نمی‌کنن و مدام بیکاریم رو تو سرم می‌کوبن که این همه برات زحمت کشیدیم، دانشگاه رفتی، هزینه کردیم ولی نتونستی به‌جایی برسی، منو با دوستانم مقایسه می‌کنند که چطور فلان شغل رو به دست گرفتن و فرد مفیدی برا جامعه شدن، جوری که آرزو می‌کنم کاش از همون ابتدایی درس رو کنار می‌گذاشتم و دنبال حرفه و کاری می‌رفتم».

پاسخگوی دیگری (زن ۲۹ ساله، کارشناسی ارشد، مجرد) درباره این که شاغل بودن را حق خود می‌داند می‌گوید:

"خیلی سخته وقتی می‌بینم تو اداره‌جات، کسانی که سطح سواد، تخصص و مهارت‌شون از من پایین‌تره و حتی درست و حسابی هم از عهده کارشون برنمیان که دیگه مشخصه با پارتی سر کار اومدن، به‌جایگاهی رسیدن. بهشون حسودیم میشه، احساس می‌کنم منم این حق رو داشتم که شاغل بشم».

بغرنج‌تر اینکه برخی از افراد خیلی راحت نسبت به مسائل دینی بی‌اعتقاد شده و دین‌زدگی در افکار و رفتار آن‌ها مشاهده می‌شود. موارد ذکر شده به دلیل اینکه زمینه را برای از دست رفتن کرامت انسانی فراهم می‌کند، نیازمند دقت و بررسی بیشتری است.

یکی از شرکت‌کنندگان (مرد ۲۹ ساله، دیپلم، متأهل) می‌گوید:

"توجه‌ام به مسائل اعتقادی نسبت به گذشته خیلی کمتر شده. احساس می‌کنم داشتن این عقاید هیچ تأثیری تو زندگی و پیشرفتم نداره، وقتی هم بعضی از دوستانم رو می‌بینم که نسبت به این مسائل بی‌تفاوت بودن و براشون اهمیتی نداشت، بهترین شغل رو دارن و بدون برخورد به کوچک‌ترین مشکل و گرفتاری پشت سر هم پله‌های ترقی رو طی می‌کنند و اونوقت داشتن یه شغل ساده برا ما آرزو شده".

پاسخگوی دیگری (زن ۲۹ ساله، کارشناسی ارشد، مجرد) درباره سوء استفاده بعضی افراد از نیاز مالی زنان می‌گوید:

"بعضی چیزا یکی شم زیاده برا جامعه اسلامی اما متأسفانه وجود داره. هستن کسانی که به خاطر فشار و مشکلات زندگی، تأمین نیازهای خود یا فرزندان دست به کارهایی که در شان آنها نیستند می‌زنن چون نه حرفه‌ای دارن، نه سواد، شایدم به خاطر سختی‌های زیاد عقایدشون هم باختن که اگه فقر از در بیاد دین و ایمون از پنجره بیرون می‌ره، متأسفانه تو جامعه ما هم وجود داره که بعضیا با سوء استفاده از نیاز مالی زنان، از عناوینی چون ازدواج مخفیانه و صیغه‌ای سوء استفاده و نوعی بهره‌کشی جنسی می‌کنند، به خاطر وابستگی‌های مالی‌ای که به وجود میاد شأن و منزلت طرف مقابل رو نابود می‌کنند".

نرسیدن به شغل و کسب‌وکار مطلوب و تلاش همراه با ناکامی و شکست، زمان‌های طولانی از دست‌رفته و روزمرگی بر نحوه زندگی افراد اثر بدی گذاشته است. کاهش شورونشاط و هیجان دوره جوانی در این افراد منجر به افسردگی و یأس و ناامیدی شده است. وقتی فرد نسبت به آینده امیدی نداشته باشد، در راستای رسیدن به هدف نیز، تلاش و تکاپویی ندارد و دچار نوعی درماندگی می‌شود. شرایطی که بنا به اظهارات مصاحبه‌شوندگان باعث شده آنان از دوران نوجوانی و جوانی خود هیچ لذتی نبرده و در حال حاضر هم نبرند. از نظر واتکینز (۱۹۹۴: ۶۵) بیکاری، فقر و تنگدستی را به‌دنبال دارد و فقر نیز به‌دنبال خود عامل بسیاری از بیماری‌های روانی و ناهنجاری‌های روحی به‌شمار می‌آید. در واقع بیکاری که مقدمه فقر و محرومیت است، با مختل ساختن عوامل روانی عمده مثل خودشناسی، وقت‌شناسی و احساس اتکای نفس، مشکلات روحی روانی به بار می‌آورد.

یکی از پاسخگویان (مرد ۲۴ ساله، دیپلم، مجرد) درباره نامتعادل شدن حالات روحی و

روانی‌اش می‌گوید:

"از صبح که پا می‌شوم تا شب کار مفیدی انجام نمی‌دم نه اعصاب دارم، نه برخورد خوبی با دیگران خصوصاً خانواده؛ که اونام دیگه زیادی کاری به کارم ندارن. به دلیل بیکاری شادی و دلخوشی‌ای تو زندگی ندارم. خودمم موندم سهمم از زندگی چیه؟".

هنگامی که فشارهای روحی و روانی حاصل از نداشتن کسب‌وکار و مشغولی در شخص فاقد کار غالب می‌شود، طبیعتاً رفتار منطقی و عاقلانه‌ای از او بروز نمی‌کند و عموماً خشونت و پرخاشگری در تعاملاتی که با دیگران دارد پدیدار می‌شود. این افراد خود به صورت داوطلبانه وارد تعامل با دیگران نمی‌شوند و در پذیرش مسؤولیت‌های خود در زندگی مقاومت کرده و پذیرا نیستند. آن‌ها همواره از جامعه و دیگران و خصوصاً خانواده طلب‌کار هستند و بعضی‌ها هم عامل این وضعیت ایجاد شده برای خود را خانواده و جامعه می‌دانند، از این‌رو در برخورد با مشکلات و واقعیات زندگی منعطف نیستند.

یکی از پاسخگویان (مرد ۳۲ ساله، کارشناسی ارشد، مجرد) درباره دغدغه‌اش برای آینده شغلی می‌گوید:

"بیکاری احساس قشنگی نداره که، همش احساس حقارت می‌کنی، خصوصاً اگه تحصیلات داشته باشی احساس می‌کنی دیگران پشت سر مسخره‌ات می‌کنند و روبرو ترحم و دلسوزی. تصور هر دو حالت آدمو عصبی می‌کنه، یادمه یه روز مادرم بین نصیحت‌هاش به حرف یکی از آشناها اشاره کرد جوری عصبی شدم که هرچه ظرف بدستم اومد پرت کردم و داد می‌زدم که دیگه راجع به کار ازم نپرسه و حرف نزنه بچه که نیستم. از خونه زدم بیرون، روی برگشت به خونه رو نداشتم بیچاره مادرم گناهی نداشت که من مثل دیونه‌ها رفتار کردم. اعصابم واقعا ضعیف شده".

پاسخگوی دیگری (مرد ۲۵ ساله، کارشناسی، مجرد) درباره انتظاراتش از خانواده و عدم آینده‌نگری والدینش می‌گوید:

"اگه یه شغل پر درآمدتر داشت و پولی پس‌انداز می‌کرد، یا اینکه از همون بچگی یه پس‌اندازی برام در نظر می‌گرفت الآن می‌تونستم از این پول به‌عنوان سرمایه استفاده کنم، انتظار بیجایی هم نیست که از خانواده دارم، چون داشتن بچه مسؤولیت داره و آینده می‌خواد".

اضمحلال هویت فردی و اجتماعی

یکی از نمودهای اساسی بیکاری از دست رفتن هویت فردی است. بسیاری از شرکت‌کنندگان در مطالعه احساس می‌کنند نمی‌توانند جایگاه مشخصی برای خود به‌عنوان

یک فرد در زندگی شخصی و اجتماعی تعریف کنند. در امور مهم شخصی و اجتماعی نمی‌توانند به‌درستی و با اختیار تصمیم‌گیری نمایند و به عبارتی استقلال فکری ندارند. درحالی‌که افراد، در سایه اعتمادبه‌نفس و استعدادی که دارند، به شکوفایی و خلاقیت می‌رسند. داشتن استقلال فکری باعث می‌شود در بزنگاه‌های زندگی تصمیم‌گیری‌های صحیح داشته باشند. در این مطالعه بسیاری اظهار داشتند به خاطر نداشتن شغل و فعالیت نمی‌توانند ابراز وجود کنند، اعتمادبه‌نفس آن‌ها تضعیف و راه‌های شکوفا شدن استعداد و توانایی‌هایشان مسدود شده و در اراده و تصمیم‌گیری برای آینده دچار مشکل شده و ناتوان‌اند. در این افراد احساس عدم خود تحقق بخشی و تکامل به دلیل عدم استقلال فکری به‌خوبی نمایان است.

یکی از شرکت‌کنندگان در مطالعه (مرد ۳۲ ساله، سیکل، مجرد) درباره قطع امید کردن از اراده و توانایی‌هایش می‌گوید:

"از بس پیگیر کارم و جور نشده، فکر می‌کنم اگه کاری هم باشه توان و روحیه‌اش رو ندارم درست انجامش بدم یا اگه قابلیت داشتم تا حالا سرکار بودم، شاید از بی عرضگیمه که بیکارم، بعضی وقت‌ها هم تو جمع اصلاً جرأت اظهارنظر ندارم، می‌ترسم چیزی بگم تو ذوقم بزین که تو کار و بار نداری چه می‌دونی چی به چیه و مسخره‌ام کنن".

پاسخگوی دیگری (مرد ۲۴ ساله، دیپلم، مجرد) درباره بلاتکلیفی و سرگردانیش به دلیل بیکاری می‌گوید:

"درآمد و شغل خودش یه پشتوانه‌ایه که انسان با داشتنش می‌تونه یه برنامه‌ریزی درست برای آینده‌اش داشته باشه، خودش رو از بلاتکلیفی و سرگردانی بیرون بیاره و به آینده امیدوار بشه".

زمانی نداشتن استقلال فکری مخرب‌تر است که نشانه‌ها و اثرات آن در سطح اجتماع بروز و ظهور کند و علاوه بر خود شخص، تعاملاتش را در سطح جامعه نیز متأثر سازد. افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند معتقدند، زمانی که شخص دارای شغل و فعالیت مفیدی در جامعه نباشد، از منزلت اجتماعی خوبی در جامعه برخوردار نیست و از نظر خود و دیگران شأن و منزلت خوبی در جامعه نخواهند داشت. یکی از پاسخگویان (مرد ۲۷ ساله، کارشناسی، مجرد) درباره این‌که شغل به فرد وجه و شخصیت می‌دهد می‌گوید:

"زمانی منزلت اجتماعی به دست میاری که شغل داشته باشی حالا هر شغلی، البته درآمدش حلال باشه. این شغله که باعث میشه فرد بین خانواده، جامعه ارزش پیدا کنه. برا خودش برو بیایی داشته باشه و ارزش حساب ببرن".

علاوه بر آن نحوه تعامل افراد در این مطالعه با اعضای خانواده و دوستان تحت تأثیر بیکاری قرار گرفته است. درآمد حاصل از اشتغال آزادی و کنترل محیط بیرون و تعاملات فرد با محیط پیرامونش را نیز فراهم می‌کند. امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی حضور در مراسم جمعی و روابط خارج از خانواده را ایجاد می‌کند. وقتی افراد بیکار می‌شوند، هویت آن‌ها تغییر می‌یابد. همه این فرصت‌ها دستخوش تغییر می‌شوند و به تدریج از بین می‌روند. از نظر پاسخگویان این مطالعه هویت آن‌ها تا حد زیادی توسط کار تعریف می‌شود به نظر آن‌ها اولین سؤالی که در هر رابطه جدیدی پرسیده می‌شود، این است که "شغل شما چیست؟" و حتی در جمع‌های دوستانه و خانوادگی همیشه می‌پرسند الان داری چه کاری انجام می‌دهید؟.

یکی از پاسخگویان که دختری ۲۰ ساله و مجرد است در این باره می‌گوید:
 "هر جای باشی اول از کارت می‌پرسند خوب تا درس می‌خونی کسی زیاد پیگیر نیست اما تا می‌بینند درست تمام شده گلوله باران این سؤال‌ها می‌شود".

پاسخگوی دیگری که جوان ۲۴ ساله ای است که بعد از چندین بار شغل عوض کردن در زمان مطالعه بیکار بود می‌گوید:

"در هر جمعی که هستیم راجع به کار، محیط کار و یا همکاران و یا درآمد و حقوق و بیمه و... صحبت می‌شود. بیرون از خانه هم همین است کسی کار نداره شما به چی فکر می‌کنی یا طرفدار کدوم حزبی و یا گروهی هستی اما برای همه خیلی مهمه بدونند شما چه کاره هستی".

محدودیت‌های مالی

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیامدهای بیکاری محدودیت‌های مالی است که زمینه‌ساز بروز سایر پیامدها از جمله عدم حمایت مالی از خانواده و از دست رفتن هویت فردی و اجتماعی نیز می‌باشد. افراد برای به دست آوردن درآمد، کار می‌کنند تا بتوانند نیازهای خود و افراد تحت تکفل خود را تأمین کنند.

یکی از پاسخگویان که مرد متاهل و ۳۱ ساله است درباره نبود درآمد و مشکلات آن می‌گوید:

"وقتی درآمد نباشه حتی نمی‌توننی خودت رو تأمین کنی. تو محرومیت می‌مونی و رنج می‌بری تا زمانی هم که کار درست و حسابی نداشته باشی، این وضعیت برات تمومی نداره حتی نسبت به آینده نیز مطمئن نیستی".

پاسخگوی دیگری که مرد ۳۱ سال و متأهل است در مورد بخشی از مشکلات مالی که دارد می‌گوید:

"اعضای خانواده تا حالا کمک کردند زیر دین خیلی‌ها هستم چند قسط بانکی دارم که مرتب به تأخیر می‌افتند اوضاع اقتصادی اصلاً خوب نیست اگر ازدواج نکرده بودم مشکلی نبود اما الان قادر نیستم نیازهای خانواده‌ام رو تأمین کنم قبلاً که کار بود یک وقتی با اعضای فامیل رفت و آمد داشتیم الان ناچاریم کمتر بریم تا اونها هم کمتر بیان خونه ما تو تولدها و عروسی‌ها بهونه میاریم که نیستیم... مشکلات زیاد است".

همان‌طور که ملاحظه می‌شود برای بسیاری از افراد، عدم اطمینان مالی ناشی از بیکاری منبع اصلی نگرانی است و منجر به کاهش شدید سطح زندگی و ناامنی مداوم در مورد تأمین هزینه‌های خانوار می‌شود. علاوه بر آن یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه بیان‌گر آن است که افراد مجرد بیکار به خاطر نداشتن درآمد، به نوعی به خانواده خود وابسته و به جای آنکه از والدین خود حمایت کنند و به قول یکی از پاسخ‌گویان به جای آنکه «عصای دست پدر و مادر باشند، وبال گردن آنان شده‌اند» و در رفع نیازهای معیشتی خود با مشکل مواجه‌اند. همچنین چنانچه فرد توان مالی ضعیفی از قبل داشته باشد، این سیر فقر به واسطه بیکاری و نداشتن شغل تداوم یافته و جوانب مختلف زندگی فرد را درگیر خواهد کرد.

پسر ۲۴ ساله، دیپلم، مجرد در این باره می‌گوید:

"پدر و مادرا هم آخرش از پسر بیکار خسته میشن، خب حقم دارن. براشون عصا نشدیم هیچ، سربارشون هم شدیم. تا کی باید محتاج کمکشون باشم و پول تو جیبیم هم اونا بدن" این پاسخگو در ادامه می‌گوید الان که جوان هستیم باید پس‌انداز کنیم برای دوران پیری خودمان اما با این شرایطی که هست از نیازهای فعلی خودم هم مونده چه برسد به دوران پیری".

تضعیف نقش‌های خانواده

خانواده اصلی‌ترین نهاد در شکل‌گیری جامعه و مهم‌ترین رکن جامعه است که سلامت، موفقیت و بالعکس، تخریب، تهدید، شکست و فروپاشی آن به‌مرور در سلامت و همچنین

عدم سلامت جامعه مؤثر خواهد بود. افراد مجرد، نداشتن شغل و درآمد را از موانع مهم برای ازدواج خود می‌دانستند.

یکی از پاسخگویان که مرد ۳۲ ساله و مجرد و دارای تحصیلات کارشناسی‌ارشد است درباره مخالفت خانواده با ازدواجش می‌گوید:
 "خونواده‌ام معتقدن تا کار نباشه، پول نباشه، نباید ازدواج کرد و زیر بار این مسؤولیت رفت. به دلایل فراوان مانع ازدوایم میشن که کار ندارم، شغل ندارم، زن میخوای چکار، همون سنگین رنگین بشینی سرجات بهتره".

پاسخگوی دیگری که ۳۱ ساله، کارشناسی‌ارشد و مجرد است، درباره از دست رفتن فرصت‌های ازدواج به دلیل بیکاری می‌گوید:
 "نوجوونی و جوونیم همش با درس خوندن گذشت اما الان بیکارم موهام همش سفید شده و به ظاهر بیشتر از سنم به نظر میام به دلیل از دست دادن شغل و بیکاری نمی‌تونم به ازدواج فکر کنم و بعید می‌دانم کسی حاضر به ازدواج با من باشد".

وجود مخاطرات در جامعه و نگرانی‌هایی که افراد از شرایط اقتصادی دارند، می‌تواند تصمیمات و رفتارهای فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۹) درحالی‌که فرزندآوری و حتی داشتن دو فرزند و بیشتر از آرمان‌ها و اهداف افراد است، تحت تأثیر بیکاری و مسائل مالی، افراد در این مطالعه از اهداف و تصمیمات باروری خود چشم‌پوشی کردند. برای مثال یکی از پاسخگویان که مردی ۳۲ ساله و متأهل است می‌گوید:
 "من و همسرم الان سه سال است ازدواج کردیم اما با اینکه هر دو می‌خواهیم دو تا بچه داشته باشیم اما مرتب به تأخیر می‌اندازیم خیلی می‌ترسیم دیر بشود اما چاره نداریم باید اول یک کار ثابت پیدا کنیم هی از این کار به اون کار رفتن خسته شدم قراردادها کوتاه‌مدت فایده‌ای ندارد الان چند ماهی هست بیکار...".

بعضی مشکلات و کمبودهایی که ناشی از بیکاری و بی‌درآمدی والدین خصوصاً پدران است، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر زندگی اعضای خانواده وارد می‌آید. در بیشتر مواقع که خانواده در اوج بحران و نداری قرار می‌گیرد، فرزندان به‌اجبار یا به اختیار از تحصیل باز می‌مانند و این آغاز آینده‌ای مبهم و نامعلوم برای آنان است، در این شرایط فرزندان از این‌که والدین به خاطر کم‌درآمدی و بیکاری نتوانسته‌اند نیازهای مالی و به حق آنان را تأمین کنند اظهار نارضایتی می‌کنند، مواردی که در صحبت‌های مصاحبه شونده‌گان بیان شده است، گویای این حقیقت است.

یکی از پاسخگویان که زنی ۲۸ ساله و متأهل است، درباره این که بیکاری، پیشرفت تحصیلی فرزندان را مورد هدف قرار می‌دهد می‌گوید:

"بیکاری همه جوره رو خانواده‌ها تأثیر میناره مثلاً کسایی که به خاطر کم درآمدی پدر نهایتش تا دیپلم درس میخونن یا مانع ادامه تحصیل دختران میشن. دیگه هزینه‌های دانشگاه رفتن هم که هر کسی از عهده‌اش برنمیاد. بیکاری در زمان حاضر لطمات زیادی رو میتونه به فرزندان وارد کنه".

پاسخگوی دیگری که زنی ۲۸ سال است و از همسرش جدا شده درباره پیامدهای بیکاری، در قبل و بعد از ازدواج می‌گوید:

"هرچه کشیدم و می‌کشم از بیکاریه، چه پدرم چه شوهرم. پدرم آدم زحمتکش اما بی‌بضاعتی بود، بیشتر وقت‌ها کار گیرش نمی‌اومد نهایتش می‌تونست شکم خونواده‌اش رو سیر کنه. به زور و زحمت فراوان، با بدبختی جهیزیه مختصری برام جور کرد. ولی توقع و انتظار خونواده شوهرم خارج از توان خونواده‌ام بود. همیشه با گوشه و کنایه‌هاشون آزارم می‌دادن که همین موضوع باعث اختلاف جزئی بین من و خونواده همسرم شد که بین دعواهامون، همسرم هم سرکوفتش رو بهم می‌زد".

آنچه موجبات تداوم زندگی و مقید بودن به پیمان‌های آغاز زندگی مشترک می‌شود، احساس رضایت‌مندی است که زوجین از زندگی مشترک با یکدیگر دارند. این احساس رضایت چنانچه از سوی اعضای خانواده احساس نشود، زمینه‌ساز مسائل متعددی خواهد بود، خصوصاً اگر زوجین به علت مشکلات اقتصادی و بیکاری و بی‌درآمدی همسر دچار اختلافات و مشاجراتی درون زندگی زناشویی‌شان شوند، شرایطی که به سردی روابط و کم شدن عشق و علاقه زوجین بیانجامد، به گونه‌ای که زن و مرد به اجبار درون زندگی مشترک، همدیگر را تحمل و به نوعی طلاق عاطفی را تجربه کنند. علاوه بر این ایجاد مشکل در مسائل اقتصادی یک خانواده به علت بروز بیکاری می‌تواند زمینه‌ساز طلاق گردد و حال آن که طلاق پایان مشکلات زندگی زناشویی و در نتیجه اجتماعی نیست، بلکه برای برخی از افراد آغاز مشکلات و نابسامانی‌هاست. آغاز بی‌پناهی و افسردگی، بی‌سامانی و اندوه زن و مرد و خصوصاً فرزندان بی‌گناهی است که حاصل و ثمره ازدواج هستند و بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند و صدمات جبران‌ناپذیری بر نهاد خانواده، دین، اقتصاد و حکومت و سراسر جامعه وارد می‌سازند (بانگ مشهدی، ۱۳۹۵).

پاسخگوی زیر که مردی ۳۴ ساله است و از همسرش جدا شده می‌گوید:

"با هزار امید و آرزو تشکیل زندگی دادیم و برنامه خاصی برای آینده‌مون داشتیم. کم شدن درآمد و بعد از دست دادن شغلم مانعی برای تحقق این آرزوها شد. زخم هم به خاطر وضعیت بد اقتصادی‌مون خیلی مورد سرزنش قرار می‌گرفت، این وضعیت خیلی برامن دردآور بود چون دلایلش بیکاری من بود که نتونسته بودم حتی یه زندگی ساده رو هم اداره کنم، دیگه سختی‌ها و مشکلات برام غیرقابل تحمل شده بود و از طرفی هم بعید می‌دونست که مشکل بیکاری من حل شه و در توانم نمی‌دید که این وضعیت رو برام تغییر بدم و درخواست طلاق داد".

نقش هرکس زمانی پررنگ و مؤثر است که بتواند در تأمین نیازهای دیگران و جامعه در حد توانایی‌هایش به ایفای نقش بپردازد و دیگران احساس کنند آن شخص در جایگاهی قرار گرفته، مسؤولیت و وظایفش را به‌خوبی حس کرده و در قبال دیگران کوتاهی نکرده است. مصاحبه‌شوندگان در این امر متفق‌القول هستند که، زمانی که یک مرد به‌عنوان همسر یا پدر بنا به دلایلی از جمله بیکاری و اعتیاد و ... نتواند جواب‌گوی نیازهای خانواده‌اش باشد انتظار احساس وظیفه و تعهدی در قبال اعضای خانواده نیز از بین رود قطعاً در ایفای نقش پدری دچار ضعف شده و اقتدار و جایگاهش را در خانواده از دست خواهد داد. زیرا به نظر آن‌ها تمام ابهت مرد به چرخاندن زندگی و متعهد بودن به وظایفش در خانواده است. پاسخگوی زیر که مرد ۳۱ ساله و متأهل است درباره از بین رفتن اقتدار مردانه به‌دلیل نداشتن درآمد می‌گوید:

"بی‌درآمدی قربت رو کم می‌کنه و کاری هم ازت برنمیاد. وقتی نتونی پشتوانه برا خانواده باشی و نیازهاشون رو برطرف کنی. دیگه برا نظر خواهی هم قبولت ندارن چه برسه به اینکه به‌عنوان بزرگ خانواده ازت حساب بیرن".

یکی دیگر از پاسخگویان که مرد ۳۴ ساله با تحصیلات دیپلم است و در حال حاضر به دلیل طلاق بدون همسر است می‌گوید:

"به خاطر بیکاری که زندگیم نابود شد. دیگه از بس دست خالی هم به خونه رفتم دخترم هم منتظر برگشتنم نیست. قبلنا خواسته‌هایی داشت که به زبون می‌آورد دیگه اونم ازم ناامید شده و چیزی ازم نمی‌خواه".

فرسایش سرمایه اجتماعی

زمانی جامعه فعال، پویا، بالنده خواهد بود که نوعی وابستگی و پیوستگی بین روابط افراد آن جامعه برقرار باشد. به‌عبارت‌دیگر افراد به هم اعتماد داشته باشند. در جامعه فرد نیاز دارد

برای پیشرفت و تعالی خود و همچنین رسیدن به مرتبه‌ای که در شأن خود می‌داند از طرف دیگران مورد مقبولیت قرار گیرد و به او حسن اعتماد داشته باشند. حال آن‌که بیشتر مواقع به خاطر نداشتن کسب‌وکار و فعالیت مفید، شخص بیکار هر چند دارای قابلیت‌ها و توانایی‌هایی باشد مقبولیت ندارد. بیکاری باعث می‌شود که فرد مورد سرزنش اطرافیان به‌خصوص خانواده قرار گیرد و یا حداقل اطرافیان توجه لازم را نسبت به فرد بیکار نداشته باشند، در این صورت، فرد احساس بی‌ارزشی و دچار ناهنجاری‌های روانی می‌شود (نوروزی و مریدی، ۱۳۷۳: ۱۹۴). مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید دارند که به خاطر نداشتن شغل و کسب‌وکار آن‌گونه که شایسته شخصیت و منزلت‌شان است از سوی دیگران پذیرفته نشده‌اند و به آنان توجه و عنایتی حتی جهت اظهارنظر هم نمی‌شود. از نظر خودشان دیگران بیکار بودن‌شان را نشانه بی‌لیاقتی آنان می‌دانند و آنان را به خاطر نداشتن تجربه در حرفه یا شغلی مورد اعتماد نمی‌دانند و به‌نوعی از سوی اجتماع طرد و حاشیه‌ای شده‌اند. یکی از پاسخگویان که جوان ۳۲ ساله و مجرد است درباره برخوردهای نادرست دیگران به‌دلیل بیکاری می‌گوید:

"کسی که بیکاره و درآمد ندارد، ناخودآگاه بقیه یه حس دیگه‌ای نسبت بهش دارن. کمتر مورد توجه قرار می‌گیره، بی‌اعتمادی خانواده، دوستان و آشنایان رو به دنبال داره. به خاطر اینکه بیکاره و هیچ تجربه‌ای نداره، برا اظهارنظر و مشورت‌ها ممکنه حضور داشته باشه ولی نظرش برا بقیه اهمیت نداره. گاهی اوقات هم اصلاً در نظرش نمی‌گیرن".

چنانچه افراد بیکار احساس کنند که دیگران ارزش و اعتبار آن‌ها را در داشتن شغل و کسب‌وکار می‌دانند و از آنجایی که آن‌ها فاقد شغل و کسب‌وکار هستند و فعالیت مفیدی ندارند، در قبال دیگران و نوع رفتار آن‌ها سعی در بی‌تفاوت بودن و بی‌اهمیت بودن نسبت به دیگران و نوع رفتار آن‌ها را داشته باین حال در سخت‌ترین شرایط، زمانی که احساس کنند زیر نگاه‌های پرسش‌گرانه و نقادانه دیگران قرار دارند، سعی در ترک محیطی که در آن قرار گرفته‌اند را دارند و ترک محیط را به ماندن ترجیح می‌دهند.

پاسخگوی زیر که مرد ۳۴ ساله و مجرد است می‌گوید:

"تو مراسم که تقریباً همه همدیگه رو می‌شناسن تا جایی که راه داره سعیم بر اینه شرکت نکنم. ولی ناچاراً بعضی وقت‌ها که می‌رفتم، طوری نگاه می‌کردن که از صدتا فحش بدتر بود تا آخر که مراسم می‌خواست تمام شه، کلی خودم رو لعن و نفرین می‌کردم که چرا اومدی؟"

حتی بعضی وقت‌ها شده بود که به محض نشستن پشیمون می‌شدم و بعد به ربع، نیم ساعتی مجلس رو ترک کردم".

نداشتن شغل و کسب‌وکار گذشته از این که از لحاظ مادی دست و پای انسان را بسته نگه می‌دارد، از لحاظ اخلاقی و اجتماعی می‌تواند اثرات مخرب‌تری را داشته باشد. زمانی که بیکاری فرد طولانی شود و خود را قادر به یافتن کار نبیند، خودبه‌خود به دوری و گریز از جمع دوستان و آشنایان و فامیل روی می‌آورد و راه چاره را در حضور نیافتن و نبودن می‌داند تا از سرزنش‌ها و پرسش‌های طعنه‌آمیز دیگران در امان بماند. به خاطر این مسائل در روابط اجتماعی فرد با دیگران محدودیت‌هایی خواسته یا ناخواسته به وجود می‌آید.

پاسخگوی زیر درباره مورد سوژه قرار گرفتنش در بحث‌ها و محافل می‌گوید:
 "آدمی با وضعیت بنده بیکار، مطلقه، تو هر جمعی بهترین سوژه برای نصیحت یا هر بحث و گفت و گویی. صلاح خودم رو در این می‌بینم که غیر محافل عمومی اونم در صورت ضرورت، تو هیچ جلسه دیگه‌ای مثلاً خونوادگی و دوستان شرکت نکنم".
 پاسخگوی دیگری که مرد ۲۹ ساله و مجردی است، درباره شرکت در مراسم‌های خانوادگی می‌گوید:

"ذوق و شوقی برا رفتن به مهمونی ندارم همه به نگاه ترحم‌آمیزی بهم دارن. حالت کسی رو دارم که مصرفی نداره، آدم بیخودیه. تو این جمع‌ها خیلی سخته و اذیت میشم که اگه اصرار خانواده نباشه عمراً شرکت کنم".

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تجربه جوانان از بیکاری و پیامدهای آن واکاوی گردد بدین منظور داده‌ها با استفاده از رویکرد کیفی و انجام مصاحبه عمیق بین جوانان بیکار شهر کرمانشاه جمع‌آوری شد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند بیکاری پدیده‌ای است که طیف مختلفی از مسائل و مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی را برای افراد ایجاد نموده است. شرکت‌کنندگان در این مطالعه اظهار داشتند که اثرات بیکاری برای آن‌ها و هر کسی که آن را تجربه کند بسیار سخت است. آن‌ها هم به لحاظ فردی احساس نامطلوبی و ناکارآمدی داشتند و هم جایگاه خود را در نظام خانوادگی و اجتماعی تضعیف شده می‌دانستند که بر بسیاری از تصمیمات فردی و تعاملات اجتماعی آن‌ها سایه افکنده است.

محدودیت مالی ناشی از بیکاری بر تصمیمات ازدواجی و فرزندآوری برخی از پاسخگویان تأثیر داشته است. شرکت‌کنندگان مجرد در این مطالعه تأکید کردند که وضعیت بیکاری به‌عنوان مانع بزرگی برای ازدواج عمل نموده است. بیکاری عدم اطمینان زیادی را نسبت به آینده برای جوانان رقم زده و تصمیم به ازدواج آنان را تا آینده‌ای نامعلوم به تأخیر انداخته است. این یافته‌ها با نظریه دیکسون، مایر و وین شیب (۱۹۹۰) و نتایج مطالعه هزار جریبی و آستین افشان، (۱۳۸۵) صادقی و شکفته گوهری (۱۳۹۵) همسو است. در میان افراد متأهل بدون فرزند و یا دارای فرزند نیز بیکاری آن‌ها را به سمت تغییر نیت باروری سوق داده است. درحالی‌که فرزندآوری و حتی داشتن دو فرزند و بیشتر از آرمان‌ها و اهداف پاسخگویان این مطالعه است اما افراد داشتن فرزند (بیشتر) را به آینده، زمانی که شغل پایداری دست یابند و به لحاظ شغلی احساس امنیت داشته باشند موکول کردند؛ بنابراین احساس ناامنی و عدم قطعیت در مورد آینده همسو با سایر مطالعات (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۹؛ برناردی و همکاران ۲۰۰۸؛ فیوری و همکاران، ۲۰۱۳) محرکی برای تأخیر فرزندآوری فراهم کرده است.

به‌علاوه، شرکت‌کنندگان همچنین اظهار داشتند که بیکاری پیامدهای مالی زیادی بر سطح زندگی آن‌ها داشته است. این مطالعه نشان داد که خانواده‌های این افراد در برآورده کردن نیازهای اساسی انسانی (به‌عنوان مثال غذا، لباس و مسکن مناسب) با سختی‌های متعددی روبرو هستند و به‌دلیل وضعیت بیکاری مجبورند بسیاری از نیازهای دیگر از جمله تفریح و تعاملات اجتماعی با دیگران را کاهش دهند؛ بنابراین، همان‌گونه که کورانکی، (۲۰۱۴) اشاره می‌کند نباید از بیکاری به‌عنوان یکی از دلایل فقر غافل شویم.

به‌دلیل محدودیت‌های مالی ناشی از دست دادن شغل پاسخگویان تنش‌ها و استرس‌های زیادی را تجربه کرده بودند. بیکاری زمینه محرومیت فرد و خانواده از امکانات موردنیاز و رفاه و آسایش زندگی را ایجاد کرده بود در واقع این مسئله به‌مرور زمان، آرامش روانی خانواده را متزلزل نموده و چه‌بسا باعث محرومیت فرزندان از تحصیل و دیگر مزایای زندگی اجتماعی شده است. خانواده و فرزندان، اوضاع معیشتی خود را با وضعیت زندگی دیگران به‌خصوص خانواده‌هایی که از نظر اقتصادی در وضع مطلوبی قرار دارند، مقایسه نموده و از زندگی خود مرتب اظهار نارضایتی کنند (بابایی، ۱۳۸۰: ۳۹).

براساس تجارب پاسخگویان به نظر می‌رسد تعاملات اجتماعی جوانان، منزلت و هویت آن‌ها نیز تحت‌الشعاع بیکاری قرار می‌گیرد. در این مطالعه پاسخگویان احساس بلاتکلیفی،

کاهش عزت‌نفس و بی‌فایده بودن و بی‌ارزش بودن و بی‌هویتی داشتند. این یافته‌ها با نظریه جاهودا (۱۹۸۲ و ۱۹۸۴) و نتایج مطالعه محمدی بایگی و همکاران (۱۳۹۰) و ملتفت و حزبوی (۱۳۹۵) همسو است. در بین جوانان هر جامعه‌ای، داشتن شغل مناسب معمولاً نشانه رشد آن‌ها و عبور آن‌ها از دوران کودکی و ورود آن‌ها به مرحله بزرگسالی است، شاید بتوان گفت که از جمله هنجارهای مشترک در همه جوامع بشری که در تعریف رشد و تعالی جوانان به کار می‌رود، داشتن شغل مناسب است (سام آرام، ۱۳۸۲: ۳۶).

هویت شغلی هر انسان، بخش مهمی از مجموعه هویت او را تشکیل می‌دهد، داشتن شغل، به‌ویژه برخورداری از شغلی که در خدمت ارزش اجتماعی و برآورنده نیازهای اقتصادی فرد باشد موجب انسجام، هویت، افزایش عزت‌نفس عمومی و احساس امنیت در فرد می‌شود (فارلکس، ۲۰۱۰)، شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که افراد بیکار نه تنها شغل خود، بلکه بسیاری از ابعاد هویت اجتماعی خود را نیز از دست می‌دهند. آن‌ها متهم به تنبلی هستند مورد سرزنش اطرافیان به‌خصوص خانواده قرار می‌گیرند و اطرافیان توجه لازم را نسبت به آن‌ها ندارند و حتی احترام اعضای خانواده را از دست می‌دهند و این باعث می‌شود احساس خجالت زیادی داشته باشند. فرد بیکار در چنین بستری احساس طردشدگی و بی‌ارزشی می‌کند. افسردگی، تنبلی، بی‌ارادگی، گوشه‌گیری، اتلاف وقت، درگیری با خانواده و والدین و کاهش تعاملات خانوادگی و خویشاوندی از نتایج چنین شرایطی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات پیشین از جمله نوروزی و مریدی (۱۳۷۳: ۱۹۴)، محمدی بایگی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. بیکاری باعث شده است برای پاسخ‌گویان در این مطالعه زندگی بی-هدف و بی‌معنی جلوه کند و چشم‌انداز خوبی برای آینده خود متصور نباشند در واقع آن‌ها احساس ناکامی و اندوه فراوان احساس نارضایتی از خود و اطرافیان را داشتند. این یافته‌ها با نظر فرایر (۱۹۸۵) همسو است.

متأثر از الگوی نان‌آوری مردان که در جامعه ایرانی (آقاجانیان ۱۹۹۲ و مقدم ۲۰۰۴) مسلط است، در این مطالعه نیز مردان متأهل اظهار داشتند احساس قصور و کوتاهی در انجام وظیفه و تعهدی که در قبال خانواده داشتند، دارند و به تبع آن در ایفای نقش همسری و پدری دچار ضعف شده و احساس فقدان اقتدار و جایگاه را در خانواده دارند. در این شرایط تداوم روابط زناشویی و کیفیت زندگی زوجین تحت تأثیر بیکاری قرار گرفته است بیکاری منشأ اساسی فقر و به‌نوبه خود بحث و کشمکش اعضای خانواده بوده استنتاج این مطالعه با مطالعات پیشین (عیسی زاده و همکاران ۱۳۸۹؛ علی‌مندگاری و رازقی نصرآباد ۱۳۹۵؛

گونزالس و مارسن ۲۰۱۵؛ فلاحی و دلدار ۱۳۹۵) همسو است این محققان در مطالعه خود نشان دادند بیکاری رابطه معنی‌داری با طلاق دارد. جنسن و اسمیت^۱ (۱۹۹۰) نیز نشان دادند بیکاری مردان تأثیر معنی‌داری بر ناپایداری ازدواج دارد و اثر آن شدید و فوری می‌باشد. لذا با کاهش بیکاری و به‌نوبه خود کاهش فقر، نه‌تنها کیفیت زندگی فرد بلکه خانواده نیز به‌طور مثبتی بهبود می‌یابد.

به‌طور کلی بیکاری در پیشرفته‌ترین حالت زمینه ایجاد نارضایتی‌ها، کاهش رضایت فرد از جامعه، نحوه زندگی و شرایط و امکاناتی که به آن دست نیافته، شده و در عاقبت امر جامعه متأثر از این کاستی‌ها و نارضایتی‌ها می‌شود، زیرا افراد اصلی‌ترین ارکان اجتماع می‌باشند که چنانچه روبه‌زوال بروند و رضایتی از زندگی و عمل‌کردشان حاصل نشود، قطعاً جامعه راضی و رضایت‌مندی هم نخواهیم داشت. البته در این مطالعه برخی از افراد قبلاً شغل داشتند اما از شغل خود راضی نبودند و در شرایط استرس‌زایی بودند و بعد از ترک آن به‌منظور یافتن شغل بهتر بیکار گشته‌اند. لذا صرفاً داشتن شغل به معنی رضایت‌مندی و داشتن زندگی باکیفیت نیست که این موضوع نیز نکته بسیار بااهمیتی است که بایستی در تحقیقات بعدی و برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع براساس یافته‌های این مطالعه می‌توان چنین نتیجه گرفت کار وسیله اساسی برای تأمین معیشت فرد را فراهم می‌کند، وسیله‌ای برای تأمین غذا، لباس و سرپناه است. باین حال کاری که هر فرد انجام می‌دهد، چیزی فراتر از راهی برای تأمین هزینه خود و خانواده است. کاری که هر فرد انجام می‌دهد هم هویت فردی و احساس هر فرد در مورد اینکه چه کسی هست و هم جایگاه فرد در نظم اجتماعی را تعریف می‌کند. افراد بیکار با مجموعه‌ای از پیامدها همچون استرس‌ها و تنش‌های روانی، مشکلات مالی، بحران هویت فردی و اجتماعی، مسائل خانوادگی احساس ناامنی و بی‌اطمینانی نسبت به آینده مواجه هستند.

این مطالعه توانست تجربیات افراد هم از جهت فردی و هم تعاملات اجتماعی را به‌خوبی آشکار کند، اما به لحاظ روشی با محدودیت‌هایی مواجه است. با توجه به رویکرد کیفی که برای این مطالعه انتخاب شده است، نیازی نیست که حجم نمونه زیاد باشد، زیرا هدف این است که اطلاعات تولید شود نه اینکه نتایج را به جامعه بزرگ‌تر تعمیم دهد. لذا عدم تعمیم‌پذیری یافته‌ها از محدودیت‌های مطالعه است. کیفیت تحقیق کیفی به‌شدت به

1. Jensen and Smith.

مهارت‌های فردی پژوهشگر وابسته است و به راحتی تحت تأثیر سوگیری‌های شخصی و خصوصیات شخصی محقق قرار می‌گیرد و نسبت به تحقیقات کمی کنترل این موارد دشوارتر است.

پیشنهادات این مطالعه نیز چند مورد است: توانمندسازی افراد و ارائه آموزش‌های فنی و مهارتی رایگان یا ارزان قیمت برای هدایت افراد به سمت فعالیت‌های خوداشتغالی و کارآفرینانه می‌تواند مفید باشد. با توجه به گستردگی مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای در کشور به نظر می‌رسد چنانچه نیازسنجی آموزش‌ها در مناطقی نظیر کرمانشاه بهبود یابند، بخشی از مشکل بیکاری جوانان می‌تواند مرتفع گردد. علاوه بر آن سپردن کارهای عمومی و پاره‌وقت به افراد در جستجوی کار، می‌تواند در کاهش مشکلات افراد و جلوگیری از فقر مؤثر باشد.

این مطالعه اصلاح نظام حمایت‌های اجتماعی در کشور را به گونه‌ای که جوانان بیکار در صورت طولانی شدن دوره بیکاری از حداقل‌های معیشتی برخوردار شده به ورطه فقر نیفتاده و امکان جستجوی فعال برای شغل را داشته باشند، پیشنهاد می‌کند. به وضوح یافته‌های مطالعه فقدان مهارت‌های کاریابی و جستجوی شغلی را نشان داد. این مسأله موجب خستگی افراد بیکار و تحمل هزینه‌هایی می‌گردد که در نهایت از بازار کار دلسرد و ناامید می‌شوند. پیشنهاد می‌شود خدمات تخصصی مشاوره شغلی و هدایت نیروی کار با مساعدت و همکاری وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و وزارتخانه‌های آموزشی از مدرسه و دانشگاه تا بنگاه‌های اقتصادی دنبال شده و مسیرهای شغلی متناسب با ویژگی‌های فردی و پتانسیل‌های محلی به جویندگان کار پیشنهاد گردد. در نهایت اگر مقابله با بیکاری در کرمانشاه که براساس اطلاعات رسمی طرح نیروی کار مرکز آمار ایران سال‌های متوالی بالاترین نرخ بیکاری استان‌ها را داشته اولویت نخست حاکمیت و برنامه محوری دولت نباشد، در آینده ناگزیر به پرداخت هزینه‌های سنگین اقتصادی، اجتماعی خواهیم بود.

تقدیر و تشکر

از تمامی کسانی که ما را در این پژوهش و مصاحبه یاری رسانده‌اند کمال تشکر را داریم.

منابع

- بابایی، فاطمه و مؤمنی، فرشاد. (۱۳۸۰). *تعدیل ساختاری فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی*، تهران، انتشارات کویر.
- بانگ مشهدی، صبا. (۱۳۹۵). *تأثیر بیکاری بر طلاق و آسیب‌های اجتماعی وارد بر فرزندان*، سومین کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، ص ۷-۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
- صادقی، رسول و شکفته گوهری، محمد. (۱۳۹۵). *مطالعه پیامدهای بیکاری بر تأخیر در ازدواج جوانان در شهر تهران*، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۳)، ۲۷۲-۲۶۵.
- عابدی، حیدرعلی. (۱۳۸۹). *کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی*. فصلنامه راهبرد، ۱۹(۵۴)، ۲۲۴-۲۰۷.
- عباسی‌نژاد، حسین؛ رضانی، هادی و صادقی، مینا. (۱۳۹۱). *بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی*، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۴)، ۸۶-۶۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال، رازقی نصرآباد، حجه بی بی، حسینی چاووشی، میمنت. (۱۳۹۹). *امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران* ۱۵(۲۹): ۲۳۸-۲۱۱.
- علی مندگاری، ملیحه، رازقی نصرآباد، حجه بی بی. (۱۳۹۵). *بسترهای اقتصادی موثر بر تصمیم‌گیری زوجین به طلاق؛ مطالعه موردی شهر تهران*. پژوهش‌نامه زنان ۷(۱۷): ۱۴۵-۱۱۷.
- عیسی زاده، سعید، بلالی اسماعیل، قدسی علی محمد (۱۳۸۹). *بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۸۵*. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳(۵): ۲۸-۷.
- گرشاسبی فخر، سعید. (۱۳۸۹). *ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران*، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۰): ۴۲۳-۴۰۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- محمدی بایگی، سیدجواد و محمدی بایگی، سیده نرجس. (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی بیکاری بر روی جوانان با توجه به اطلاعات جامعه آماری نمونه، همایش ملی آسیب‌شناسی مسائل جوانان*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان.
- محمدی فر، یوسف، الماسی فرد، محمد رسول. (۱۳۹۹). *تبیین پیشران‌های اجتماعی و اقتصادی تعمیق پدیده بیکاری در کرمانشاه*، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر(علمی - پژوهشی) ۹(۱۶): ۱۴۱-۱۱۷.
- مداح، مجید. (۱۳۹۰). *بیکاری و بزهکاری در ایران: تحلیل نظری و تجربی*، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۶، ۱۹۷-۱۸۸.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *طرح آمارگیری نیروی کار*، تهران.

- معیدفر، سعید. (۱۳۸۰). بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۳۲۱-۳۴۱.
- ملفت، حسین و حزبوی، عزیز. (۱۳۹۵). بررسی موانع اشتغال و پیامدهای بیکاری از دیدگاه جوانان استان خوزستان، هشتمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران: تحولات جمعیت، نیروی انسانی و اشتغال در ایران، دانشگاه یزد.
- نوروزی، علیرضا و مریدی، سیاوش. (۱۳۷۳). فرهنگ اقتصادی، انتشارات نگاه، تهران.
- هزارجریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه. (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی مؤثر بر میانگین سن ازدواج زنان در سه دهه گذشته (۱۳۳۵-۱۳۸۵)، *مجله برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی*، ۳۲-۱.
- واتکینز، استفان جی. (۱۹۹۴). بیکاری، فقر و ناهنجاری‌های روانی، *ماهنامه گزارش*، شماره ۴۲، ۶۵-۶۴.
- Agan, Y., Sevinc, E. & Orhan, M. (2016). Impact of Main Macroeconomic Indicators on Happiness. *European Journal of Economic and Political Studies*, 2(2), 13-21.
- Aghajanian, A. (1992). Status of Women and Fertility in Iran. *Journal of comparative Family Studies* 23(3), 361-374.
- Amato, P. R. & Beattie, B. (2011). Does the Unemployment Rate Affect the Divorce Rate? An Analysis of State Data 1960-2005, *Social Science Research*, 40(3), 705-715.
- Bernardi, L., Klarner, A. & von der Lippe, H. (2008). Job Insecurity and the Timing of Parenthood: A Comparison between Eastern and Western Germany, *European Journal of Population*, 24: 287-313.
- Blanchflower, D. G., Bell, D. N., Montagnoli, A. and Moro, M. (2014). The Happiness Trade-Off between Unemployment and Inflation. *Journal of Money, Credit and Banking*, 46(S2), 117-141.
- Boswell, C & Sh, Cannon. (2012). *Introduction to Nursing Research*. 3rd ed. Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.
- Dickelmann, N., Allen, D., & Tanner, C. (1989). *The national league for nursing criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis*. New York: NLN Press.
- Farlex. (2010). *The Free Dictionary*. www.the free dictionary.com.
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A. and Prati, S. (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child, *Population Research and Policy Review*, Volume 32, Issue 3, Pp. 373-413, DOI 10.1007/s11113-013-9266-9
- Fryer, D. (1995). Labormarket disadvantage, deprivation and mental-health - benefit agency, *The Psychologist*, 8(6), 265-272.
- González-Val, R, and M. Marcén. (2015). *Regional Unemployment, Marriage, and Divorce*. Working paper, (No. 2015/38). Institut d'Economia de Barcelona (IEB).
- Hammarström, A., Ahlgren, C. (2019). Living in the shadow of unemployment -an unhealthy life situation: a qualitative study of young people from leaving school until early adult life. *BMC Public Health*, 19, 1661 <https://doi.org/10.1186/s12889-019-8005-5>

- Investopedia (2017). How is unemployment Defined? Available from www.investopedia.com/terms/u/unemploymentrate.asp (Accessed 31 May 2017).
- Jahoda, M. (1982). *Employment and unemployment: A social-psychological analysis*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Jahoda, M. (1984). Social Institutions and Human needs: A Comment on Fryer and Payne. *Leisure Studies*, 3, 297-299.
- Jensen, P & N, Smith. (1990). Unemployment and Marital Dissolution. *Journal of Population Economics*, 3(3), 215-229.
- Korankye, A. A. (2014). Causes of Poverty in Africa: A Review of Literature. *American International Journal of Social Sciences*, 3(7), 147-153.
- Krippendorff, K. (1980). Content analysis. An introduction to the methodology. London: The Sage commtext series, Sage publications Ltd.
- Lester, S. (1999). *An introduction to phenomenological research*. Taunton UK, Stan Lester developments.
- Mare, R. D. and Winship, C. (1990). Socioeconomic change and the decline of marriage for blacks and whites, CDE Working Paper No. 90-21, University of Wisconsin, Center for Demography and Ecology.
- McKee-Ryan, F., Song, Z, Wanberg, C, & Kinicki, A. (2005). Psychological and Physical Well-Being During Unemployment: A Meta-Analytic Study. *Journal of Applied Psychology*, 90(1), 53-76.
- Moghadam, V. M. (2004). Patriarchy in Transition: Women and the Changing Family in the Middle East. *Journal of Comparative Family Studies* 35(2), 137-162.
- Ruprah, I. J. & Luengas, P. (2011). Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 59-66.
- Spezial, H., & Carpenter, D.R. (2007). *Qualitative Research in Nursing*. Lippincott, Williams & Wilkins press.